اکثریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۶ آبان ۱۳۶۴ برابر ۲۸ اکتبر ۱۹۸۵

بهاء ۶۰ ریال - سال دوم - شماره ۸۰

ای جلاد، ننگت باد!

اعدام فدایی قهرمان، رضی الدین تابان و تعدادی دیگر از زندانیان سیاسی ایران - خشم و نفرت بشریت مترقی از رژیم خمینی را اوج تازه ای داد

اعدام فدایی قهرمان رفیق رضی الدین تابان و بیش از پنجاه نفر از دیگر فرزندان انقلابی خلق برگ دیگری بر کتاب پلشتی‌های حکومت ننگین خمینی افزود. سیل تلگرام‌ها و نامه‌های اعتراضی نیروهای پیشرو جهان و نیز پیام‌های همبستگی، جلوه‌ای از انزجار عمیق بشریت پیشرو نسبت به این رژیم تبهکار و خونریز است. در زیر گوشه‌ای از کارزار جهانی در محکومیت رژیم خمینی و پیام‌های همبستگی را درج می‌کنیم:

سوئد

پیام تسلیت حزب کمونیست کارگری سوئد به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

"طبق اطلاعیه مطبوعاتی نمایندگی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اروپای غربی، اطلاع حاصل کردیم که رضی الدین تابان، عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان، همراه با بیش از پنجاه نفر دیگر از کادرها و فعالین جنبش انقلابی ایران، در اواسط سپتامبر سال جاری به جوخه اعدام سپرده شده‌اند.

ما بدینوسیله مراتب تاثر و تالم عمیق خود را به مناسبت فقدان رضی الدین تابان اعلام می‌داریم.

ما معتقدیم که این چنین جنایاتی از سوی رژیم جمهوری اسلامی ایران نتوانسته و نخواهد توانست مانع مبارزات عادلانه شما در راه بهروزی و سعادت مردم ایران گردد."

همچنین دکتر مرجان تاکمن عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری سوئد، پر اریکسون مسئول کمیته صلح سوئد و گروه پارلمانی حزب کمونیست‌های چپ سوئد نیز بوسیله پیامهای تسلیتی برای کمیته مرکزی سازمان مراتب تاثیر خویش را از فقدان رفیق تابان ابراز داشتند.

بقیه در صفحه ۲

اسرار درون خانه از ما مطلب خون بر در آستانه می‌بین و مپرس!

جمهوری اسلامی از کشتن سیر ابی ندارد. این رژیم با سفاکترین و رسواهترین حکومتهای موجود در دنیا، در گسترش اختناق و کشتار مسابقه گذاشته است و به راستی که از بسیاریشان گوی سبقت را ربوده است.

در همین هفته‌ها و ماههای اخیر، خبرهای متعددی در مورد اعدامهای فردی و گروهی انتشار یافته است. مردم چندین شهر خود شاهد بوده‌اند که چگونه جلادان حکومت در میدانهای مرکزی شهرها، مبارزین را به وحشیانه‌ترین شکل اعدام کرده‌اند. جوخه‌های اعدام پر مشغله‌تر شده‌اند و انقلابیون را گروه گروه به خاک و خون می‌کشند. فشار در زندانهای بطور عام و بر روی زندانیان معینی بطور خاص افزایش یافته است. زندانیانی که مدتهای مدید بطور مداوم زیر شکنجه بوده‌اند و با مقاومتهای حماسی خود دژخیمان را ذله و ذلیل ساخته‌اند، دسته دسته روانه میدانهای تیر میگردند.

از ضعف و تزلزل است که چشمهای رژیم را خون گرفته است. جوخه‌های تیرباران بر ضعف رژیم

بقیه در صفحه ۲

گفتگوی نشریه "اکثریت" با دبیر اول کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست اتریش

برای ارائه تصویری از وضعیت سیاسی اتریش و نظرگاه‌های حزب کمونیست اتریش در این باره و نیز در مورد مهمترین مسائل جهانی، از سوی نشریه "اکثریت" گفتگویی با رفیق فرانتس موری دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش صورت پذیرفت که در این شماره به درج آن می‌پردازیم:

در آغاز رفیق فرانتس موری در مورد نقش و مبارزه حزب کمونیست اتریش این را داشت: می‌خواهم در این زمینه فقط به ذکر پاره‌ای از وقایع مهم بپردازم. مبارزه حزب ما و نشریه آن "فولکس اشتیمه" (صدای خلق)، در سالهای رشد اقتصادی به بهبود شرایط مادی طبقه کارگر در زمینه دستمزدها و بازنشستگی، کاهش ساعات کار و غیره کمک فراوانی کرد. ما بعد از شروع بحران اقتصادی در اواسط دهه هفتاد برای دفاع از دستاوردها، در جهت اتخاذ تدابیر موثر علیه بیکاری، علیه سیاستی که سعی در انتقال فشار بحران بر روی دوش زحمتکشان را دارد و توسط سرمایه و دولت دنبال می‌شود، در صف مقدم قرار داشته و داریم. حزب ما همچنین پیشتاز پذیرش بی‌طرفی پایدار اتریش بود که بعدا به تاریخ ۲۶ اکتبر ۱۹۵۵ توسط پارلمان به تصویب رسید.

در کشور ما، کمونیستهای اتریش نیروی اصلی اتحاد ضدفاشیستی علیه دیکتاتوری فاشیستی هیتلر و

بقیه در صفحه ۸

آخرین شعر بنجامین مالویز: من به کردهٔ خویش فخر می‌ورزم!

روز جمعه ۲۶ مهر "مالسلا بنجامین مالویز" شاعر انقلابی سیاهپوست، عضو رهبری حزب کمونیست آفریقای جنوبی و عضو رهبری کنگره ملی آفریقا، به دست رژیم آپارتاید اعدام شد.

آخرین شعر مالویز، تجلی روشنی از ایمان عمیق این شاعر مبارز به آرمانهای عمیق انقلابی است. او از غرور مرگ شکن سخن می‌گوید و با سروده خویش با بر روی ترس و مرگ نهاده و به قلب تپنده و زنده تاریخ، راه می‌جوید.

من فخر می‌ورزم
به این که چنینم،
به این که چنین هستم
من به کرده خویش فخر می‌ورزم
و به این که چنین کردم.

توفان تحقیر
باران خون مرا به دنبال خواهد داشت

من فخر می‌ورزم
که زندگیم را ایثار می‌کنم
زندگیم را
زندگانی یگانه و تنهایم را.

"فارسی" نویسی آقایان

قرنها پیش فردوسی که حماسه جاودانش شناسنامه زبان پارسی است با سربلندی سرود.

بسی رنج بردم درین سال سی
عجم زنده کردم بدین پارسی

و حافظ شیرین سخن از سر شوق درباره شعر خویش که از عالی‌ترین انتظام واژگانی برخوردار است سرود

شکر شکن شوند همه طوطیان هند
زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود

اما راستی امروز بر سر "قند پارسی" چه آمده است؟ چگونه است که امروزه زبان فارسی که بقولی شکر است، هویت خود را در انبوهی از لغات و اصطلاحات بیگانه گم کرده است و بعنوان چفت و بست دهنده کلمات بیگانه بکار برده می‌شود؟. اگر در حیات آلوده رژیم سلطنتی، هجوم لغات و اصطلاحات اروپائی با شیوه‌ئی از سر سپردگی به سیستم زندگی

بقیه در صفحه ۲

رستا باد فریاد اعتراض خلق علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام!

www.iran-archive.com

اسرار درون خانه از ما مطلب
خون بر در آستانه می‌بین و مپرس!

بقیه از صفحه اول

دلالت دارد. رژیم می‌پندارد که با شکنجه و کشتار دمی بیشتر زنده می‌ماند و چشمهای خون گرفته‌اش به او اجازه نمی‌دهد که تجربیات حکومت سلف خود را از نظر بگذراند. اختناق و کشتار پایه‌های رژیم را هرچه بیشتر متزلزل می‌سازد.

رژیمی از این دست، در برخورد با هر فراز تازه از بحران چاره را در تشدید اختناق و در اعدامهای بیشتر می‌یابد. بیهوده نیست که در همان حالی که بحران درونی رژیم به نحو بی‌سابقه‌ای شدت یافته است، در حالی که جناحهای مختلف ارتجاع، ترس از مردم را مبنای وحدت خود می‌گذارند، در حالی که نفرت خلق از کلیت حکومت و مقدم بر همه شخص خمینی، جبروت جماران را حتی در چشم حکومتیان ریخته است، تکبیر و ببندها افزوده شده و چوبه‌های اعدام پر مشغله‌تر شده‌اند. این امری اتفاقی نیست که همزمان با فراز تازه در بحران درونی رژیم که ریشه در هراس حکومتیان از فردای ناگزیر شان دارد، تشکیلات دادستانی ضد انقلاب تجدید سازمان می‌یابد و بخش "گروههای سیاسی" آن آمادگی بیشتر برای به بند کشیدن و کشتن پیدا می‌کند و از اعدامهای گروهی خبر می‌رسد. احوال درون خانه است که آستانه را خونین ساخته و خون دویده بر در آستانه، حکایتگر حال درون است ●

ای جلاد، ننگت باد!

بقیه از صفحه اول

حزب کمونیست کارگری سوئد، گروه پارلمانی حزب کمونیست‌های چپ سوئد و کمیته صلح سوئد، اعتراض نامه‌هایی نیز به سفارت جمهوری اسلامی در سوئد ارسال کردند در بخشی از نامه حزب کمونیست کارگری سوئد آمده است:

"ما بدینوسیله مراتب تنفر و انزجار خودرا نسبت به این کشتار هولناک و وحشیانه اعلام می‌داریم. ما مراتب نگرانی عمیق خود را نسبت به خطری که جان گروهی دیگر از اعضای رهبری و کادرهای مسئول سازمان فدائیان خلق را تهدید می‌کند بیان می‌کنیم.

ما مراتب نگرانی عمیق خود را نسبت به سرنوشت انوشیروان لطفی عضو مشاور هئیت سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعلام می‌داریم.

ماخواستار:

۱ ـ قطع فوری کشتار و اعدام دیگر مبارزین در بند؛

۲ ـ قطع فوری شکنجه‌های جسمی و روحی؛

۳ ـ آزادی، بدون قید و شرط تمام زندانیان سیاسی ایران، هستیم.

تظاهرات در برابر سفارت جمهوری اسلامی در لندن

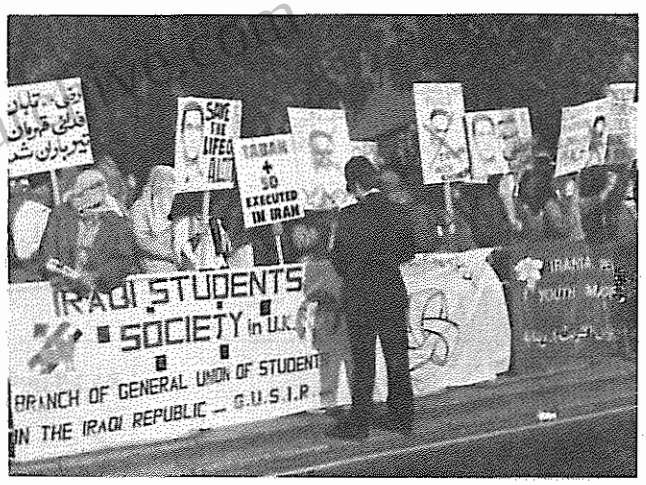

روز دوشنبه ۱۴ اکتبر ۱۹۸۵، در اعتراض به اعدام رفیق تابان و برای مقابله با توطئه اعدام رفیق انوشیروان لطفی، تظاهرات ایستاده‌ای در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در لندن برگزار گردید. در این تظاهرات که به دعوت جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) ـ بریتانیا برپا گردید، سازمانها و اتحادیه‌های متعددی شرکت کردند. و برای همبستگی با فدائیان اسیر جمعی از ملیت‌های انگلیسی، چینی، افغانی، کرد، ترک و عرب نیز در تظاهرات حضور داشتند.

تظاهرکنندگان که پلاکاردهایی در اعتراض به اعدام رفیق تابان و تصاویر رفیق لطفی را بهمراه داشتند با فریاد شعارهایی به زبانهای انگلیسی و فارسی سراسر فضای پیرامون سفارت جمهوری اسلامی را به لرزه در آنداختند آنها فریاد می‌زدند:

زندان، اعدام، شکنجه دیگر اثر ندارد ـ ای رضی قهرمان راهت ادامه دارد.

انوشیروان لطفی آزاد باید گردد ـ بساط ظلم و ستم نابود باید گردد.

خبرنگاران و عکاسان روزنامه‌های انگلیسی از جمله "تایمز لندن"، "مورنینگ استار" و "نیووورکر" از این تظاهرات گزارش تهیه کرده و فیلم برداری نمودند ●

اتریش

تلگرام کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش

ازسوی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش تلگرام زیر به سفارت جمهوری اسلامی مخابره شد:

ما تحول اوضاع در ایران را با نگرانی دنبال می‌کنیم. اخبار مربوط به شکنجه مبارزان پیگیر ضد دیکتاتوری و صدور مداوم احکام اعدام رو به افزایش است. تعداد زیادی از کمونیستها تاکنون اعدام شده‌اند. اخیرا چند حکم اعدام دیگر اعضای رهبری فدائیان خلق صادر گردید.

ماخواهان آن هستیم که به شکنجه در زندانهای ایران پایان داده شود!

ما با قاطعیت تمام، علیه اعدام رضی الدین تابان عضو کمیته مرکزی فدائیان خلق اعتراض می‌کنیم!

ما خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی هستیم!

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش

یونان

نامه اعتراضی میکس تئودراکیس و یانیس ریتسوس در مورد اعدام رفیق رضی الدین تابان

از سوی کمیته بین المللی برای پشتیبانی از دمکراتهای ایران یک نامه اعتراضی خطاب به سفارت رژیم خمینی در آتن، انتشار یافت در این نامه آمده است:

"ما امضاکنندگان زیر اعتراض خود را به اعدام رضی الدین تابان مبارز شناخته شده دمکراسی از زمان شاه و کادر با ارزش جنبش جوانان و دانشجویان ایران اعلام کرده و نگرانی شدید خود را برای زندگی سایر زندانیان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و دیگر دمکراتهای در بند ایران ابراز می‌کنیم و خواستار پایان یافتن فوری دستگیری‌ها، شکنجه‌ها و اعدام‌های دمکرات‌های ایران هستیم."

نامه فوق علاوه بر میکیس تئودراکیس و یانیس ریتسوس از جمله توسط شخصیتهای زیر امضا شده است:

ـ واسیلی افرمیدیس نماینده حزب کمونیست یونان در پارلمان بازار مشترک

ـ الکوس آلاوائوس نماینده حزب کمونیست یونان در پارلمان بازار مشترک

ـ کوستاس کاپوس نماینده حزب کمونیست یونان در پارلمان یونان

ـ ماریا دامانکی نماینده حزب کمونیست یونان در پارلمان یونان

ـ شناسیس گونفینوپولوس نماینده حزب سوسیالیست در پارلمان

ـ فیکوس فرتیادیس استاد دانشگاه و دبیر اول کمیته بین المللی همبستگی یونان

◀

www.iran-archive.com

آلمان فدرال

دفاع از زندانیان سیاسی ایران و محکومیت اعدام رفیق رضی الدین تابان وپنجاه نفر از دیگر انقلابیون دربند موضوع فراخوانی است که در شهر دورتموند آلمان فدرال انتشار یافت این فراخوان از جمله توسط رفیق هربرت میس دبیر اول حزب کمونیست آلمان و چند تن از اعضای رهبری این حزب و نیز "پتراستالینگو" جراح مشهور و بنیانگزار جنبش "دانشمندان برای صلح" امضاشده است.

دانمارک

حزب کمونیست دانمارک در ارگان مرکزی خود طی مقاله ای به درج خبر اعدام رفیق تابان پرداخته و نوشته است: "این اقدام در جریان انتخابات ریاست جمهوری در ماه گذشته وقوع یافته است. در عین حال یکی از رهبران برجسته سازمان، بنام انوشیروان لطفی در معرض اعدام قرار دارد. سازمان عفو بین الملل صدور حکم اعدام و خطر مرگ بلافاصله لطفی را تایید نموده است."

حزب کمونیست دانمارک، از همه سازمان ها و شخصیت های دانمارکی خواسته است با ارسال نامه های اعتراضی به سفارت ایران مخالفت خود را با این "موجهای ترور" اعلام نمایند.

بریتانیا

● از سوی دبیر اول سازمان جوانان حزب کمونیست بریتانیا، نامه ای خطاب به سفارت جمهوری اسلامی در لندن نوشته شده و اعمال غیر انسانی رژیم واپسگرای خمینی محکوم گردیده است. در این نامه نسبت به جان فدائیان اسیر بویژه رفیق انوشیروان لطفی ابراز نگرانی شده است.

● "آرتور اسکارگیل" دبیر اتحادیه معدنچیان بریتانیا ورهبر اتحادیه بین المللی معدنچیان طوماری را به نشانه اعتراض به اعدام رفیق تابان و همبستگی با فدائیان اسیر و خواست لغو کشتار و شکنجه زندانیان سیاسی ایران امضا نمود این طومار به امضا ده ها اتحادیه، سندیکا و انجمن کارگران و کارمندان، مهندسین، حقوقدانان نیز رسیده است.

● شورای اتحادیه های کارگری استان "باکینگهامشایر"، اتحادیه شوراهای کارگری، استان "اسکس"، اتحادیه کارگران مهندسی هرت فورد شایر، شورای اتحادیه های کارگری منطقه "الدهام" (منچستر و حومه) شوراهای شهرداری شهرهای منچستر و لیورپول و... هر یک در نامه های اعتراضی جداگانه ای به سفارت ایران در لندن، عمل وحشیانه اعدام رفیق تابان و پنجاه تن از فعالین برجسته جنبش انقلابی ایران را شدیدا محکوم نموده اند.

در نامه شورای اتحادیه های کارگری استان باکینگهامشایر آمده است: "... مراتب انزجار و تنفر ما را در مورد این اعمال بربرمنشانه به دولت مطبوع خود اطلاع داده و از آنها بخواهید این احکام را که متعلق به قرون وسطی هستند، لغو کرده وتمامی زندانیان سیاسی را آزاد کنند."

شورای شهرداری منچستر علاوه بر ارسال نامه اعتراضی به سفارت جمهوری اسلامی در لندن، نامه ای نیز برای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نوشته است. درپایان این نامه که به امضای رهبر شورای شهر گراهام استرینگر رسیده است می خوانیم: "از جانب شورای شهر برای شما در مبارزه تان برای نجات جان رفقای خود آرزوی موفقیت می کنیم."

● حزب کمونیست شیلی درتبعید، در نامه اعتراضی خود به سفارت جمهوری اسلامی در لندن، قتل رفیق تابان را قاطعانه محکوم نموده از وی بعنوان یکی از برجسته ترین انقلابیون مبارز در رژیم گذشته واز شاخص ترین رهبران جنبش جوانان و دانشجویان ایران یاد کرده و نوشته است رژیم شما مانند رژیم پینوشه هیچگونه احترامی برای بنیادی ترین حقوق مردم قائل نیست. حزب کمونیست شیلی همچنین خواهان آزادی رفیق انوشیروان لطفی شده و نامه اش را چنین به پایان می برد: "اندیشه را نه می توان کشت، نه به زنجیر کشید."

● سازمان ضد استعماری "لیبراسیون" خطاب به سفارت جمهوری اسلامی در لندن ضمن اعتراض به جنایت شنیع رژیم پلید خمینی، نوشته است: "تمامی جنبش کارگری و مترقی در بریتانیا از این اعدامها و سیاست ادامه جنگ با عراق منزجر است."

"فارسی" نویسی آقایان

بقیه از صفحه ۱

غربی، زبان فارسی را به رکبار بسته بود اینک به یمن وجود جمهوری اسلامی، از خود بیگانگی هولناکی در برابر لغات و اصطلاحات عربی بوجود آمده است که به راستی ارکانهای زبان پارسی را به لرزه در آورده است. هر دو رژیم نه از سر نیاز (که تا حدی پذیرش لغات و اصطلاحات غیر فارسی را قابل قبول می کند) بلکه از سر شیفتگی وفرض ومرض، دروازه های زبان را به روی سیل بنیان کن واژگان غریبه گشودند. هم اینک کار بدانجا کشیده است که خواندن و فهمیدن نوشته ها و گفته های دست اندرکاران و هواداران رژیم در روزنامه ها برای بیشتر ایرانیان با دشواری همراه است. بویژه بیشترین مردم میهن ما که در کار و تولید شرکت مستقیم داشته و با "فرهنگ مطبوعاتی" اشنائی ندارند به یکباره از زبان رسمی روزنامه ها بدور افتاده اند. حتی گاه برنامه کودکان و نوجوانان رادیو تلویزیون چنان آکنده از واژگان مهجور عربی است که بزرگسالان هم از فهم آن عاجزند. نگاهی گذرا به روزنامه های رژیم، همه چیز را به سادگی آشکار می کند. به بختی از یک شعر بلند که در روزنامه جمهوری اسلامی ۲۷ اسفند ۶۳ آمده است توجه کنید:

به باطن بنگرد از صقع ظاهر
ز اول پی برد تا عاقبت اخر
محاکاتی که اندر اصل و فرع است
بسان زارع و مزروع و زرع است
برو بر خوان تو "فنحن الزارعون"
بیابی زارع بی چند و چون را

.....

عروج امر بایوم است و آن یوم
بود "الف سنه" مقدارش ای قوم
ز "الف سنه" عم می باش عارج
به "خمسین الف سنه" معارج
شب قدر اندرین نشناه "نمودی"
بود از لیله القدر صعودی

چنانکه پیداست، برخی واژگان فارسی درین شعر بصورت "ملاتی" در آمده اند تا لابلای کلمات عربی راپر کنند. این مشتی از خروارها چند و پرندی است که روزانه حجم روزنامه ها و برنامه های رسانه های گروهی را می آکنند. به نظر می رسد جنایتکاری، بر گلوی زبان پارسی دشنه ئی فرو کرده باشد.

وقتی شعر آقایان "چنین" باشد پیداست که نثر "چنان" است، چنان که افتد و دانی. باز هم مشتی از خروار را نشان بدهیم.

"مگر نه آنکه در میان مخلوقات خداوند، تنها او مشرف به تشریف عقل وتعلیم الهی است وبدین جهت مسجود ملائکه و خلیفه الله فی الارض و ودیعته فی لوجود می باشد و بهمین جهت هم لطف وعنایت باری تعالی او را مجلای صفات باری، مشهد اخلاق الله گردانیده است" (صحیفه جمهوری اسلامی شماره ۲۵)

ویا" چنانکه گذشت فنا" طرح خدا در جهان و عجب طرح انسان در جهان است. فنا به تعبیر عرفانی ظهور اوصاف محموده و عجب ظهور اوصاف مذمومه است. در اینحال میشود گفت که القا" و استغراق نیز دو حال روبروی همند در القا" فاسد فرد دعوت به معصیت میشود. دائم ومدام از ربط با حضرت حق جل وعلا دور می گردد.. التفات عجیب به روحانیت و فردانیت الهی است "داعی" در دعا، طالب فنای "القای فاسد" وظهور استغراق محض است" همان.

که به راستی باید با ذره بین دنبال یک جمله فارسی با واژگان فارسی گشت. البته ارائه اندیشه های سده های میانه نیاز به واژگان فرسوده وکهنه و دور از ذهن هم دارد، وگرنه برای آنکه نو می اندیشد و خود را ایرانی می داند سخن گفتن بازبان رسا وروشن فارسی کاردشواری نیست.

جمهوری اسلامی آگاهانه در پی از بین بردن زبان فارسی بعنوان شناسنامه ملی ماست وبرای دست یابی به چنین آماجی از هیچ تلاشی فروگذار نمی کند. ویرانه ئی که هم اینک، اینان از زبان فارسی بر جای می گذارند، برای آبادی دوباره و بازسازی، نیازمند نیروئی شگرف و شبانه روزی است که وظیفه ملی و میهنی نویسندگان و سرایندگان ما را از هم اکنون آشکار می کند. در پایان بر این نوشته کوتاه از شمس تبریز، که از شگفتی روزگار، امروزه و در میهن ما مصداق دوباره یافته است نگاه می افکنیم.

اکنون من زبان هندی ندانم!
ـ نه از عجز!
ـ اما خود، عربی را چه شده است؟!
ـ اگر همان هندو، بشنود گوید:
این خوش تر است!
ـ و زبان پارسی را، چه شده است؟
بدین لطیفی و خوبی
که آن معانی و لطایف که در پارسی
آمده است، در تازی
نیامده است! ●

www.iran-archive.com

جنگ در آبهای خلیج فارس

در هفته گذشته نیروی هوائی عراق برای بیست و نهمین بار جزیره خارک را مورد حمله قرار داد. رژیم عراق همچنین برای نمایش قدرت هوائی خود، در روزهای اخیر، به حوزه‌های نفتی ایران واقع در آبهای خلیج فارس یورش آورد. عراق مدعی شد که جزیره سیری را بمباران کرده است. جزیره سیری یکی از کانونهای مهم صادراتی نفت جمهوری اسلامی محسوب می‌شود، و در واقع جمهوری اسلامی با استفاده از نفتکش‌ها، نفت را از جزیره خارک به این منطقه منتقل می‌کند و سپس از آن جزیره اقدام به صدور آن می‌نماید. ارتش عراق در ضمن گزارش کرد که در هفته گذشته حوزه‌های نفتی اردشیر و بهرگانسر را نیز مورد حمله قرار داده است. پیش از این عراق اعلام کرده بود که چاه نوروز را به آتش کشیده است. حملات اخیر عراق به حوزه‌های نفتی و تاسیسات نفتی واقع در آبهای خلیج فارس، طرحهای عملیاتی جمهوری اسلامی را برای صادرات نفت از دیگر نقاط آبهای خلیج فارس، با دشواری جدی مواجه خواهد ساخت. لازم به یادآوری است که جمهوری اسلامی، پس از حملات مکرر عراق به جزیره خارک، درصدد برآمد تا از طریق لوله کشی و دیگر امکانات، صادرات نفت خود را از تیررس حملات عراق خارج سازد.

عراق در مقابل در تلاش است تا با استفاده از امکانات، صادرات نفت خود را افزایش دهد. هم اینک عراق با استفاده از یک خط لوله خاک عربستان سعودی، ۵۰۰ هزار بشکه در روز بر صادرات نفت خود افزوده است. عراق در صدد است تا با استفاده از خلیج عقبه در خاک اردن، و با احداث خط لوله‌ای دیگر، از طریق خاک ترکیه، بازهم بر امکانات صدور نفت خود بیافزاید.

ـ در ضمن در هفته گذشته، وزیران دفاع شیخ نشینهای حوزه خلیج فارس، در مذاکرات خود در کویت، بار دیگر توقیف کشتی ها را از سوی جمهوری اسلامی محکوم کرده و آنرا تهدیدی علیه اعراب اعلام نمودند. باید افزود که این کشورها در پایان مذاکرات خود در ریاض اعلام کردند که در صورت قطع صادرات نفت یکی از کشورهای حوزه خلیج فارس، دیگر کشورهای عضو شورای همکاری، صادرات نفت آن کشور را تقبل خواهند کرد.

عملیات عاشورای ۴

در هفته گذشته، جمهوری اسلامی به دو حمله محدود در جبهه‌های سومار و هورالهویزه دست زد. در اوایل هفته گذشته، عملیات "یاامام موسی ادرکنی"، بدون آنکه به نتیجه‌ای نائل آید، پایان یافت. در عملیات دوم که بلافاصله بعد از آن آغاز شد و با عنوان عملیات "عاشورای ۴" صورت گرفت، ستاد مشترک اعلام کرد که ضربات سنگینی به ارتش چهارم عراق وارد آورده است و ۵۰ کیلومتر مربع از خاک عراق را متصرف شده است.

رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی در مورد این عملیات، دست به تبلیغات گسترده‌ای زدند. آنان اعلام کردند که عراقی های مقیم ایران نیز در این عملیات شرکت داشته‌اند. مسئولین جمهوری اسلامی طی هفته گذشته بارها از مردم و حتی از عراقی های مقیم ایران درخواست کردند که به جبهه‌ها بروند. تکرار مکرر این دعوتها که از سوی سپاه و بسیج صورت می‌گیرد، همراه با تبلیغات گسترده مسئولین مملکتی، نشانه عدم توفیق آنان در بسیج نیروست.

مانور بزرگ "مقاومت شهری"

در هفته گذشته در راستای تبلیغات گسترده مسئولین جمهوری اسلامی برای بسیج نیرو، حجت الاسلام رحمانی سرپرست بسیج سپاه پاسداران نیز اعلام کرد که در هفته اول آذرماه (هفته بسیج)، مانور بزرگ "مقاومت شهری" با شرکت "ارتش بیست میلیونی" برگزار خواهد شد. وی اظهار داشت که در این هفته، "شهروندان آموزش های دفاعی لازم برای دفاع انفرادی و اجتماعی به هنگام تهاجم دشمن به شهرها و اماکن حیاتی مهم کشور را فرا خواهند گرفت."

رحمانی همچنین اعلام کرد که در سال آتی تحصیلی، طرح تدریس آموزش نظامی در تمام سطوح مختلف برای دانش آموزان به اجرا درخواهد آمد.

راهپیمایی طلاب حوزه علمیه قم

گروهی از طلاب حوزه علمیه قم دست به راهپیمائی زدند. طلاب از مدرسه فیضیه به راه افتادند و در محل خانه منتظری تجمع نمودند. راهپیمائی طلاب در مخالفت با آندسته از نمایندگان مجلس بود که به حکم خمینی مبنی بر ابقای موسوی رای مخالف داده بودند. منتظری شخصا در جمع تظاهرکنندگان حضور یافت و گفت: "آبروی انقلاب و نظام ما، حفظ مقام رهبری است و اگر چنانچه مقام رهبری تضعیف شود، در حقیقت اسلام تضعیف شده است... قاعده اش این بود که آقایان نمایندگان وقتی رهبر نظر داشته باشند ایشان در مقام وسیعتری هستند، مصالح اسلام را در نظر گرفته اند، فرمایش فرموده اند، باید نظر ایشان تامین شود."

منتظری در ادامه سخنان خود، "نمایندگان خالی" را تهدید کرده و بیان داشت، "به نمایندگان مجلس تذکر بدهید که هر چه بوده گذشته است ولی از این به بعد باید توجه داشته باشند که پیرو اوامر امام باشند. ما در حالیکه مجلس، دولت و قوه قضائیه داریم، رهبری داریم که فوق همه اینهاست."

کابینه موسوی معرفی شد

روز پنجشنبه دوم آبانماه، موسوی نخست وزیر طی نامه ای، اسامی وزرا را برای اخذ رای تائید، به مجلس تحویل داد. در لیست اسامی وزرائی که از سوی نخست وزیری اعلام شد، نسبت به لیست منتشره در جراید کشور (از جمله کیهان ۲۹ مهر ماه)، اختلافاتی مشاهده می‌شود. از سوی دیگر خمینی طی نامه‌ای به رئیس مجلس که در همان روز پنجشنبه قرائت گردید، خواهان آن شد که نمایندگان مجلس از درگیری و اختلاف حذر نمایند.

در کابینه جدید موسوی، در وزارتخانه‌های دفاع، نفت، کشور، راه و ترابری، مسکن و شهرسازی و چند وزارتخانه دیگر، تغییراتی بعمل آمده است. وزرای کابینه معرفی شده نخست وزیر عبارتند از:

۱ـ آموزش و پرورش: اکرمی
۲ـ امور خارجه: ولایتی
۳ـ ارشاد: خاتمی
۴ـ اقتصاد و دارائی: نمازی
۵ـ اطلاعات: ری‌شهری
۶ـ بازرگانی: عابدی جعفری
۷ـ برنامه و بودجه: روغنی زنجانی
۸ـ بهداشت: مرندی
۹ـ پست و تلگراف و تلفن: محمد غرضی
۱۰ـ جهاد سازندگی: نامدار زنگنه
۱۱ـ دفاع: سرهنگ جلالی
۱۲ـ دادگستری: حبیبی
۱۳ـ راه و ترابری: سعیدی کیا
۱۴ـ سپاه: رفیق دوست
۱۵ـ صنایع: شافعی
۱۶ـ صنایع سنگین: نبوی
۱۷ـ آموزش عالی: فرهادی
۱۸ـ کار و امور اجتماعی: سرحدی زاده
۱۹ـ کشاورزی: ژالی
۲۰ـ کشور: محتشمی
۲۱ـ مسکن و شهرسازی: کازرونی
۲۲ـ نفت: آقازاده
۲۳ـ معادن و فلزات: نیلی
۲۴ـ نیرو: بانکی

طرح قانونی مطبوعات

روز ـ پنجشنبه دوم آبانماه، مجلس شورای اسلامی، دو ماده دیگر از "طرح قانونی مطبوعات" را به تصویب رساند. طرح قانونی مطبوعات بگونه ای تنظیم شده است که حتی روزنامه‌های دولتی و رسمی کشور نیز باید سر و گوش بجنبند تا در این قالب جای گیرند. در ماده ۷ این طرح، موارد زیر، خلاف قانون مطبوعات تشخیص داده شده که به لغو پروانه آن نشریه منجر خواهد شد:

۱ـ انتشار هر آنچه که به امنیت، مصالح و موازین اسلامی کشور لطمه وارد سازد.
۲ـ اشاعه فساد و فحشاء خواه از طریق مطالب و یا تصاویر
۳ـ تبلیغ و ترویج اصراف و تبذیر
۴ـ ایجاد اختلاف بین اقشار و طبقات جامعه
۵ـ تحریک و تشویق افراد و گروهها به ارتکاب عملیاتی علیه امنیت، منافع و مصالح حکومت، چه در داخل و چه در خارج از کشور
۶ـ انتشار اسناد و مدارک و یا تصاویر محرمانه نظامی و انتشار مذاکرات غیر علنی مجلس و یا محاکم غیر علنی دادگستری
۷ـ اهانت به اسلام و مقدسات آن و همچنین مقام رهبری و مراجع مسلم تقلید
۸ـ افترا و توهین به مقامات، نهادها، ارگانها، اگر چه به طریق عکس و یا کاریکاتور باشد.
۹ـ نقل مطالب و موضوعاتی از مطبوعات احزاب و گروههای مخالف اسلام، به نحوی که تائید آنها باشد.

در ماده ۸ این طرح آمده است که همه نشریات باید پروانه انتشار، اسم، مشخصات و آدرس سردبیر و محل چاپ و ... داشته باشند، در غیر اینصورت غیر قانونی محسوب خواهند شد.

www.iran-archive.com

اخباری از میهنمان

"هر خانواده باید چهار هزار تومان بپردازد"

در ماه محرم امسال، آخوندی بنام "مهدوی" (اهل نجف آباد، ساکن قم)، جهت روضه خوانی به روستای کلاموبی از توابع مردگان عزیمت می‌کند.

وی پس از چند روز موعظه در این آبادی، مطرح می‌کند که می‌باید مسجد تازه‌ای بسازیم و هر خانواده باید چهار هزار تومان بپردازد. اکثریت اهالی به این تصمیم اعتراض کرده، می‌گویند ما پول نداریم. خرده کشاورزهستیم. حتی نان شب نداریم. چگونه چهار هزار تومان بپردازیم!؟ مهدوی پافشاری می‌کند. وی سرانجام با ایجاد جو رعب و وحشت، تعدادی از اهالی را مجبور به پرداختن پول می‌کند و به بقیه که واقعا امکان پرداخت پول نقد نداشتند بر چسب ضد انقلاب میزند و اعلام می‌کند آنها به روحانیت اهانت کرده‌اند.

دریکی از شب‌ها به دستور وی کمیته مردگان روستا را محاصره می‌کند. بسیاری از روستائیان به کوه فرار می‌کنند. چهار نفر از اهالی دستگیر می‌شوند و پس از آنکه شدیدا مورد ضرب وشتم قرار می‌گیرند، به گروهان ژاندارمری مردگان تحویل داده می‌شوند.

سرانجام پس از شش روز آنها را دادگاهی کرده و با اخذ پول برای مسجد و به قید ضمانت آزاد می‌کنند.

مبارزه متحد اهالی روستای "انجیره"

در آخرین هفته شهریور ماه سال جاری، روستای انجیره از توابع شیراز صحنه درگیری شدیدی بین اهالی این روستا از یکسو و طرفداران و عوامل "منصور خان عابدی" از سوی دیگر بود.

روستای انجیره در ده کیلومتری غرب شهر شیراز واقع است. حدود ۲۸ خانوار خرده مالک و تعدادی خوش‌نشین ساکن این روستا هستند.

با توسعه شهر شیراز زمین‌های حومه روستا از نظر ساختمان سازی ارزش پیدا کرده‌اند. از مدتها پیش منصور عابدی برای تصرف زمین‌های موات حومه روستا دندان تیز کرده بود. وی امسال با تصرف مقداری از این زمین‌ها، که متعلق به تمامی اهالی روستا است. اقدام به ساختمان سازی نمود. مردم روستا بویژه خرده مالکان به این عمل اعتراض کرده و با نوشتن نامه‌ها و طومارهای فراوان به مسئولین حکومتی، خواهان اقدام عاجل در جلوگیری از زورگویی و تجاوز این فرد شدند. اما روستائیان بتدریج دریافتند که از این رهگذر مشکل شان حل نمی‌شود و خود را سا اقدام به تصرف بقیه زمین‌ها نمودند.

درروزهای ۲۶ و ۲۷ شهریور اهالی روستا، متحد و یکپارچه در برابر خان می‌ایستند و از کار ساختمان سازی جلوگیری می‌کنند. در نتیجه درگیری و زدوخورد شدیدی بوجود می‌آید. اهالی روستا کتک مفصلی به عوامل و نزدیکان خان می‌زنند، بطوریکه چند تن از آنان راهی بیمارستان می‌شوند. زمانیکه از طرف ژاندارمری برای دستگیری تعدادی از روستائیان مراجعه میکنند، حدود دویست نفر از مردم با تجمع در مقابل آنها مانع دستگیری افراد مورد نظر شده و اظهار می‌دارند ما حق خود را می‌خواهیم. این چند نفر گناهی ندارند. اگر می‌خواهید آنها را دستگیر کنید باید همه ما را با خود ببرید.

مردم انجیره اظهار داشته‌اند: "قضیه فقط بر سرزمین نیست. دوران خان و خان‌بازی باید بسر آید. ما منصور خان را به ده راه نمی‌دهیم." کشمکش هنوز ادامه دارد.

صدور احکام رفع مصادره اموال بهره‌کشان

احکام رفع مصادره "اموال" غارتگران دسترنج مردم در ماههای اخیر روند فزاینده‌ای داشته است. در زیر به چاپ دو خبر در این زمینه اقدام می‌کنیم:

۱ – اموال سید محمد میرابولحسنی (حکیمی شاهرودی) طی قرار مورخ ۵۸/۱۰/۲۶ توقیف و طی حکم غیر قطعی ۵۹/۶/۲ دادگاه انقلاب اسلامی مصادره و در پی نامه دادستانی کل انقلاب اسلامی (۵۹/۱۰/۲۴) از طریق دادستانی انقلاب اسلامی مشهد کلیه احکام صادره تا قبل از تاریخ ۵۹/۷/۱۶ قطعی اعلام می‌شود. برخی از اتهامات متهم که مبنای صدور حکم مصادره اموال نامبرده بوده‌اند، بقرار زیرند:

"وابستگی شدید به رژیم منفور پهلوی و سردمداران آن مانند فردوست، هویدا، باتمانقلیچ و غیره فعالیت مستمر در تحکیم رژیم با تهیه طومارهای متعدد و تایید اعمال رژیم سرنگون شده تحت عنوان نماینده روحانیت و ثناگوی شاه مخلوع و همکاری مداوم و مستمر با ساواک منحله و..."

اما امسال حکم رفع مصادره اموال فرد مذکور از شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی مرکز به بنیاد ابلاغ گردید. در این حکم که در تاریخ ۶۴/۱/۳۱ صادر گردیده، آمده است: "ارتباط وی و مراوده او با سران رژیم گذشته، تفاکویی از طاغوت، ارتکاب اعمال نامشروع... در این رابطه از ناحیه او مجرز است نظر به اینکه ارتکاب به اعمال مذکور در حد فساد نبوده است، لذا مشمول عفو حضرت امام امت مدظله العالی می‌باشد. نامبرده از کل مجازات معاف است و..."

۲ – در تاریخ ۵۸/۲/۱۴ پرونده "قاسم معماری" یکی از صاحبان عمده کارخانه آجر ماشینی ارومیه به دادگاه انقلاب اسلامی قم ارجاع و پس از بررسی اسناد و مدارک کارخانه مذکور، ماشین آلات و وسایل مربوط مصادره گردید و به بنیاد مستضعفین واگذار شد. در حکم مصادره چنین آمده بود: "با توجه به عمل وی، و بردن و غارت اموال مردم که نمونه‌ای از اعمال وی می‌باشد، روشن می‌شود که این همه ثروت کلان با عنایت سن وی بخوبی وابستگی وی را به رژیم منفور پهلوی (نشان می‌دهد)."

درحکم رفع مصادره اموال نامبرده، مورخه ۶۴/۵/۱۵، صادره از سوی دادگاه انقلاب اسلامی ارومیه (که در حکم قبلی به "دستبوسی شاه مدفون" نیز متهم شده بود) چنین می‌خوانیم: "آقای قاسم معماری که متهم اصلی پرونده است، فردی است مذهبی و مخالف رژیم سابق و پدرش بنام محمد کاظم معماری، از متمکنین شهر ارومیه و وکیل مرحوم آیت الله العظمی میلانی بوده..."

وبدین ترتیب اموال این شخص نیز به وی، باز گردانده شد.

سخنان یکی از روستائیان "برگه" بهشهر

روز بیستم مهر ماه دهها تن از روستائیان "برگه" بهشهر به علت فشار و زورگوئی یکی از خوانین و دادگستری بهشهر به تهران آمده و در مقابل ساختمان دادگستری تحصن کردند. سخنان یکی از روستائیان، تجلی گر عمق اجحاف و فشاری است که حامیان بزرگ مالکان جمهوری اسلامی بر زحمتکشان کشور وارد می‌سازند:

"بعد از انقلاب زمین را بین ۱۶۳ خانوار روستایی بطور مساوی تقسیم کردیم و از آن تاریخ یعنی سال ۱۳۵۸ تا کنون بطور دائم مشغول کشت هستیم. در سال ۱۳۵۹، حیدرخان که یکی از فئودالهای منطقه مازندران می‌باشد به دادگاه عمومی بهشهر شکایت نموده که در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۴ رای دادگاه بهشهر به این صورت صادر شد: حدود ۳۶ نفر از ۱۶۳ نفر کشاورز روستائی به ۳ ماه حبس و چهار میلیون و دویست و نود هزار تومان ضرر و زیان محکوم شدند. طبق قرار دادگاه بهشهر، هر یک از روستائیان می‌بایست مبلغ ۲۶ هزار تومان به دادگاه پرداخت نماید. ناچار با فروختن احشام خود هر کدام مبلغ ۷۵۰۰ تومان به دادگاه بهشهر پرداخت کردیم و باقیمانده آن را با قید ضمانت معتبر باید تا تاریخ ۲۲ مهر ماه بپردازیم. چند روز قبل به خاطر شکایت از دادگستری بهشهر به دادگستری تهران پناه آورده ایم و از شب تا صبح در کنار خیابانها بیتوته کرده ایم و به علت نداشتن بودجه قادر به کرایه مسافرخانه نیستیم و...

صحنه‌ای از اجرای یک حکم تخلیه

تصویری که مشاهده می‌کنید، بیانگر حقیقتی دردناک است. یک پیرزن ۷۵ ساله را بعد از ۲۰ سال اجاره‌نشینی از تنها سرپناه خود محروم ساخته‌اند. مردم میهن، همه روزه شاهد چنین صحنه‌هائی در گوشه وکنار کشور می‌باشند.

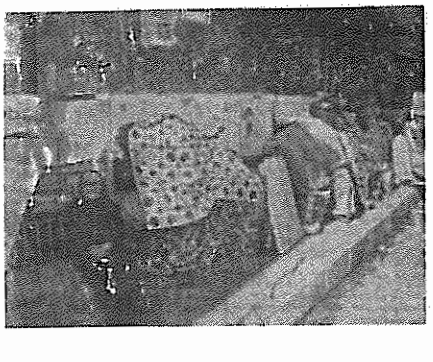

www.iran-archive.com

جمهوری اسلامی و عرصه "آگاهی اجتماعی"

بخش آخر

در بخش پیشین این مقاله، توجه خود را بر روی ماهیت ایدئولوژی جمهوری اسلامی و برخی خصایص عمده آن متمرکز کردیم. در این بخش، که حکم بخش پایانی این بررسی فشرده از کارکرد جمهوری اسلامی در عرصه آگاهی اجتماعی را دارد، بطور نمونه از میان شکلها و حوزه‌های مختلف ایدئولوژی، حوزه فلسفه را برگزیده و به بینش فلسفی رایج در میان "متفکرین" رژیم، به اختصار برخورد می‌کنیم.

جمهوری اسلامی در عرصه نظر

آنچه که جمهوری اسلامی در عرصه عمل ارائه می‌دهد، جدا از باورهای ایدئولوژیک رهبران آن نیست. میراث پوسیده سالها قیل و قال حجره‌های تنگ و تاریک "حوزه"، هم برای آنان منبع توجیه خیانتها و جنایات بیشمارشان است و هم عزیمتگاه و انگیزه‌شان برای همه گونه اقدامات ضد انقلابی و ضد بشری. برای شناخت دقیق‌تر رژیم و کارکرد آن، چاره‌ای جز رجوع به این میراث نیست. این مرده ریگ، اکنون تنها در حجره‌ها و شبستانها دست به دست نمی‌گردد و به عنوان ایدئولوژی حکومتگر، در ویترین‌های دستگاه ایدئولوژیک رژیم حاکم بر یک جامعه سرمایه‌داری عرضه می‌شود. از همین رو صاحبان و اشاعه دهندگانش می‌کوشند از آن گرد وخاک برگیرند و رنگ و روغنش بزنند. اما یک شئ کهنه تا حد معینی جلا می‌یابد. در بازار سرمایه‌داری، تنها عتیقه فروشان و عتیقه خران، و اگر از زبان استعاره درگذریم، تنها اقشار بورژوایی سنتی، مشتری این کالا هستند. بورژوازی در کلیت خود اساسا از زاویه رونق لحظه‌ای یک کالا در بازار، به این عتیقه‌ها می‌نگرد.

در بخش پیشین این مقاله، به حوزه‌های مختلف ایدئولوژی اشاره شد. ما از میان این حوزه‌ها، فلسفه را بر می‌گزینیم تا ببینیم در این پهنه چه کالای عتیقه‌ای عرضه می‌شود. فلسفه را از آن رو برگزیدیم که در قیاس با حوزه‌های مذهب، سیاست (ایدئولوژی سیاسی)، حقوق، علم، اخلاق و هنر علی‌رغم اهمیت آن، کمتر بدان بطور مشخص برخورد شده است.

جمهوری اسلامی و فلسفه

فلسفه یک دیدگاه تعمیم یافته در باره هستی است. در جایی که دیدگاه مذهبی مسلط است و جهان و هستی از طریق ذات الهی تبیین می‌شود، فلسفه ناچار خادم الهیات می‌گردد. در چنین جایی، حداکثر امتیازی که به فلسفه داده می‌شود، این است که به اثبات وجود حقیقی اشیا و تشخیص علل و اسباب وجود آنها و چگونگی و مرتبه وجود آنها"* بپردازد.

اما فلسفه در حوزه‌های علمیه، برای این که تا همین حد هم مجاز باشد و موضوعیت بیابد، بسیار سختی کشیده است. فقیهان همیشه فیلسوفان را آزرده‌اند. در "حوزه" ها از قدیم الایام، این نظر قویا مطرح بوده است که با وجود علوم نقلی دیگر به علوم عقلی، نیازی نیست. این نظر که شدیدا ضد فلسفه، حتی در حد خادم الهیات است، هم اکنون نیز در حوزه‌های علمیه طرفداران قدرتمندی دارد و گفتنی است که یکی از جریانات فلسفی (!) در جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد. مظهر این جریان "حجتیه" است. این جریان نقل را در برابر عقل، خبر را در برابر نظر و در مباحث فقهی اقتدا به اصول کهنه را در برابر اجتهاد نومی‌گذارد.

جریان ضد فلسفه در گذشته نزدیک، در حوزه‌های علمیه، بسیار قوی بوده است

به عنوان نمونه در حوزه علمیه قم، تا زمان رونق گرفتن جلسه درس سید محمد حسین طباطبایی (مشهور به علامه) در دهه بیست و سی، فلسفه جزو درسهای رسمی طلاب نبود و طباطبایی، علی رغم مخالفت و یا کم مهری زعمای آن هنگام حوزه، به تدریس فلسفه رو آورد. هم اکنون نیز، علی رغم تشویقهایی که به عمل می‌آید، فلسفه در حوزه علمیه بی

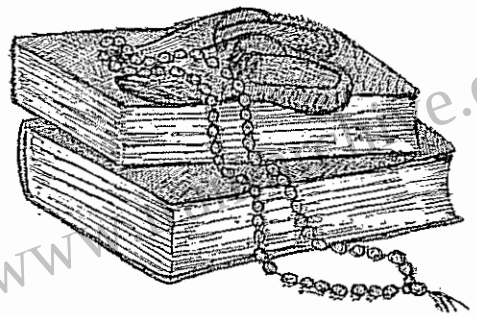

رونق است، بویژه آن که مباحث فقه و خاصه باب "قضا"، نان و آب دارتر محسوب می‌شود.

از جریان ضد فلسفه که بگذریم، در خود جریان موافق با فلسفه، با تفکر واحدی مواجه نمی‌شویم. در این جریان قدرت عمده از آن معتقدان به "حکمت متعالیه" است. این مشرب فلسفی از سوی صدرالمتألهین شیرازی مشهور به ملا صدرا، در قرن یازدهم هجری، تاسیس گردیده است. او کسی بود که مکتب مشاء (که برجسته‌ترین نماینده آن در تاریخ فلسفه ایران، ابن سیناست) و مکتب اشراق را (که با نام سهروردی آوازه یافت) در هم آمیخت. ملا صدرا، آخرین چهره درخشان فلسفه اسکولاستیک ایران است. بعد از او هر چه در مسیر فلسفه مدرسی گام برداشته شد، در راهی بود که او طی کرده بود.

حوزه بعد از ملا صدرا، از دل خود فیلسوف در مفهوم اخص کلمه، بیرون نداد. آنهایی که بعدا آمدند، مثل حاجی ملا هادی سبزواری (صاحب منظومه) در نهایت یک مدرس و شارح خوب و مبتکر فلسفه اسکولاستیک محسوب می‌شوند. طباطبایی نیز، فیلسوفی از این دست به حساب می‌آید. اما رونق گیری کار او و شاگردانش و برخی دیگر از مدرسین فلسفه در حوزه، پیش از این که به ذوق وشوق و برخی توانایی های آنها در ترکیب وتجزیه یک دایره عظیم از تعابیر و مفاهیم تهی مغز فلسفه مدرسی بر گردد، حاصل مسائل و شرایط تازه‌ای بوده است که رونق گرفتن مجدد "فلسفه" را بعد از یک دوره فترت، ضروری ساخته است.

چرا از حدود ۴۰ سال پیش به این سو، فلسفه مجددا در حوزه‌های علمیه تا حدی رونق گرفت و جریان ضد فلسفه مقداری عقب نشینی کرد؟ پاسخ روشن است: در درجه اول برای مقابله با رواج یافتن مارکسیسم و جهان بینی علمی. فقیهان ضد فلسفه، برای مقابله با فلسفه نوین، به فلسفه رو آوردند.

این موضوع را مرتضی مطهری به روشنی تصریح می‌کند. او در سال ۱۳۳۲ درمقدمه جلد اول کتاب "اصول فلسفه و روش رئالیسم" طباطبایی در مورد انگیزه استاد خود برای رونق دادن به تدریس فلسفه در حوزه‌های علمیه می‌نویسد: "نشریات روزافزون فلسفی اخیر و توجه جوانان روشنفکر ما به آثار فلسفی دانشمندان اروپا که هر روز به صورت ترجمه یا مقاله و رساله در عالم مطبوعات ظاهر می‌شود... و از طرف دیگر انتشارات مجهز به تبلیغات سیاسی و حزبی فلسفه مادی جدید، ماتریالیسم دیالکتیک، بیش از پیش حضرت معظم له را (مقصود طباطبایی است) مصمم نمود که در راه مقصود خود (یعنی رونق دادن به درس فلسفه در حوزه‌های علمیه) گام بردارند... این روشی که حضرت معظم له آغاز کرده‌اند، یک اقدام اساسی است و فلسفه را در ایران، وارد مرحله جدیدی می‌کند. محصلین سابقا اطلاعاتشان منحصر بود به آنچه در کتابهای معمولی تدریسی خوانده بودند ولی با آنکه چند سالی بیش از اقدامات حضرت معظم له نمی‌گذرد، بسیاری از محصلین حوزه علمیه هستند که اطلاعات فلسفی نسبتا جامعی دارند و مخصوصا به مطالب و تئوری‌های فلسفه مادی زیاد آشنا هستند و راههای مغلطه آن را به خوبی در یافته‌اند." (ص ۱۷). هدف از رونق دادن به بازار فلسفه در "حوزه" روشن شد: طلبه‌ها می‌بایست به "مطالب و تئوری های فلسفه مادی زیاد آشنا شوند" و نحوه تبلیغ علیه آن را بیاموزند. "حوزه" از این نظر باید ممنون فلسفه مادی باشد که فلسفه الهی را از یک خواب گران بیدار کرد! توجه به این نکته نیز جالب است که فلسفه از نو رونق یافته حوزه علمیه، تنها مارکسیسم را دشمن می‌شناسد و با مکاتب فلسفی بورژوایی غربی که همان هنگام داشتند در ایران رواج می‌یافتند، برخوردی ندارد. به همین خاطر رژیم پیشین، از فعالیتهای فلسفی حوزه، پشتیبانی می‌نمود و از طریق "انجمن شاهنشاهی فلسفه" و کلاسهای فلسفه در دانشگاهها خاصه دانشکده الهیات که مظهری از اساتید آن بود، به رواج "فلسفه حوزه‌ای" کمک می‌کرد.

خمینی خود از موافقین "فلسفه" بوده است. اما او به جناح محافظه کار جریان تازه رونق یافته تعلق داشته و از همین رو بیشتر به بخش‌های محافظه کار فلسفه رسمی حوزه (مباحث کلامی و اخلاقی) می‌پرداخته و آنها را تدریس می‌کرده است.

"فلسفه حوزه‌ای" اگر بطور مجرد نگریسته شود، سیاست گریز است، اما وقتی رو در روی یک فلسفه

بقیه در صفحه ۱۰

---

*طباطبایی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، با پاورقی مرتضی مطهری، جلد ۱، ص ۳۶.

دمکراسی پارلمانی یا دیکتاتوری سرمایه؟

در "دمکراسی"های بورژوایی، تا وقتی احزاب موبه مو در چارچوب منافع سرمایه عمل می‌کنند، "آزادی" برقرار است. اما همین که جریان امور به دلخواه انحصارات پیش نرود، اینان همه دعاوی مربوطبه "دمکراسی" و "حاکمیت مردم" را به یکباره فراموش می‌کنند وبر آشفته وخشمگین به صحنه می‌آیند تا مبادا ساحت مقدس "مالکیت" و "حکومت" سرمایه خدشه‌دار گردد. نمونه بارزی از این خود افشاگری، اخیرا در آلمان فدرال به وقوع پیوست.

در انتخابات پارلمان ایالت "هسن" این کشور، احزاب دست راستی تشکیل دهنده دولت فدرال هلموت کهل، شکست خوردند و حزب سوسیال دمکرات و حزب "سبزها" اکثریت آرا را به دست آوردند. این دو حزب، به عنوان نتیجه منطقی انتخابات، دست به ائتلاف زدند ویک وزارتخانه ـ وزارت انرژی و محیط زیست ـ در اختیار "سبزها" قرار گرفت. تا اینجای قضیه، امور کاملا طبق روال عادی و معمول در دمکراسی‌های بورژوایی پیش رفت. اما به محض انتشار خبر انتخاب یک "وزیر سبز"، اتحادیه سرمایه‌داران آلمان فدرال اعلام کرد سرمایه‌گذاری‌های خصوصی در ایالت هسن متوقف خواهد شد زیرا در این ایالت دیگر "امنیت سرمایه گذاری" تضمین شده نیست! به عبارت دیگر، سرمایه‌داران به مردم می‌گویند اگر احزابی که ما می‌خواهیم در انتخابات پیروز نشوند از کار بیکارتان می‌کنیم، و احزابی را که تحت کنترل کاملشان نیست تهدید می‌کنند که در انتصاب و برکناری افراد به پستهای دولتی، حرف ما را گوش کنید و گرنه هرچه دیدید از چشم خودتان دیده اید وباید پیه رکود اقتصادی و افزایش بیکاری ناشی از تحریم سرمایه‌گذاری را به تن خود بمالید. این همه، در حالی است که نه "سبزها" کمونیست شده و خواهان براندازی سرمایه‌دار هستند و نه برنامه دولت ایالتی "هسن" از چارچوب بورژوایی فراتر می‌رود. این است ماهیت "دمکراسی" بورژوایی که ظاهرا، بر اکثریت آرا مردم متکی است اما در باطن، همان دیکتاتوری سرمایه است.

"بگذار فکر کنند استالین نفهمید!"

پس از پیروزی بر فاشیسم، متفقین برای مذاکره پیرامون آینده آلمان و اروپا کنفرانس پوتسدام را برگزار کردند. در این کنفرانس، از جانب اتحاد شوروی، هیاتی به ریاست استالین، از جانب آمریکا ترومن و همکارانش و از سوی بریتانیا هیاتی به ریاست چرچیل شرکت داشتند. برگزاری کنفرانس پوتسدام با تدارک دوران جنگ سرد از سوی امپریالیسم آمریکا همزمان بود. ایالات متحده با در دست داشتن سلاح اتمی گمان می‌کرد می‌تواند اتحاد شوروی را به زانو درآورده واراده‌اش را به جهان تحمیل کند. چندماه پس از کنفرانس پوتسدام، انفجار هیروشیما و ناگازاکی نشان داد امپریالیست‌ها برای تحقق اهداف شوم خود از هیچ جنایتی روگردان نیستند.

یکی از اعضای هیات نمایندگی شوروی در کنفرانس پوتسدام، رویدادزیر را حکایت کرده است:

یک روز پس از صرف نهار مولوتف وزیر خارجه شوروی، به استالین گفت: "معلوم نیست این روزها ترومن را چه می‌شود که اینقدر مغرور و متکبر شده است." استالین پاسخ داد: "من می‌دانم علتش چیست. یک روز پس از پایان جنسه، من، ترومن وچرچیل بایکدیگر درباره مسائل پراکنده صحبت می‌کردیم. ترومن بگونه‌ای که همه خیال کنند دارد مساله‌ای فرعی را مطرح می‌کند، گفت ما سلاح تازه‌ای دراختیار داریم. هنگامی که او این حرف را به زبان می‌آورد، من دیدم که چرچیل چگونه به من زل زده و انتظار می‌خواهد با چشمهایش مرا بخورد. می‌خواست عکس العمل مرا ببیند. من طوری رفتار کردم که گویی ترومن حرف ساده‌ای زده است و پیش خود گفتم: بگذار فکر کنند استالین نفهمید. "استالین در ادامه گفتگوی خود با مولوتف، اندکی مکث کرد، ابروان خود را درهم کشید، معلوم بود به حافظه‌اش فشار می‌آورد. گفت: "باید با... اسمش چیست... آها، یادم آمد، کورچاتوف. باید با کورچاتوف صحبت کنیم."

کورچاتوف که آن روز استالین نامش را به زبان آورد، ازهمان زمان مسئولیت گروه دانشمندان شوروی که به تحقیقات اتمی اشتغال داشتند را به عهده گرفت. گروه کورچاتوف طی ۴ سال کار شبانه‌روزی و خستگی‌ناپذیر موفق شد سلاح اتمی شوروی را ساخته و انحصار آمریکا در عرصه بمب‌های اتمی را از میان بردارد. دستاورد این فعالیت، اکنون نزدیک به چهل سال است تضمین کننده صلح جهانی است. معلوم نیست در صورت حفظ انحصار اتمی توسط ایالات متحده چه بلایی بسر جهان می‌آمد. این انحصار در تاریخ ۲۹ اوت ۱۹۴۹ با اولین انفجار هسته‌ای شوروی شکسته شد.

می‌گویند ترومن هنگامی که خبر انفجار هسته‌ای شوروی را شنید چند دقیقه از حال رفت.

فرق ۵۰ میلیون با یک میلیارد

چندماه پیش، در محافل اپوزیسیون ارتجاعی جمهوری اسلامی درخارج ازکشور فاش شد که سازمان "سیا"، دریک قلم ۵۰ میلیون دلار به دو گروه اصلی سلطنت طلب یعنی "جبهه نجات" (امینی‌چی‌ها) و "نهضت مقاومت" (بختیاریها) پول داده است. اما از آنجاکه این رقم، پس ازکسر مخارج دود ودم آقایان، به زحمت کفاف انتشار نشریات و برگزاری جلسات در هتلهای لوکس و چرب کردن سبیل فلان روزنامه یا بهمان حزب غربی را می‌دهد، شاه پرستان در عین سپاسگزاری، و امتنان، گاه و بیگاه به ارباب غر می‌زنند که "کم است".

طبق نوشته نشریه "جبهه نجات" شماره ۲۴، امینی اخیرا در جلسه‌ای در پاریس، که اشرار افغانی هم در آن حضور داشتند، بین کمکهای دریافتی سلطنت طلبان ایرانی با کمکهایی که ضد انقلابیون افغانی می‌گیرند مقایسه‌ای کرد واظهار تاسف نمود. او تقصیر این کم لطفی ارباب را ـ که به "امینی"های افغانستان سالی یک میلیارد دلار می‌دهد ـ به گردن باقی شاه‌پرستها، ازجمله بختیار انداخت و گفت باید از "تکروی" احتراز کرد تا آمریکا هم مرحمت بیشتری بکند.

البته امینی نمی‌داند یا خودش را به ندانستن می‌زند که فرق ۵۰ میلیون با یک میلیارد، تنها در "تکروی" مرغک توفان نیست. برای آمریکا، فرق اشرار افغانی با سلطنت طلبان ایرانی، مثل تفاوت تیم اصلی و تیم ذخیره است و یا به تعبیری دیگر اشرار افغانی، تیغه خنجر امپریالیستها علیه یک انقلابند، وشاه پرستان ایرانی، شلاق امپریالیستها بالای سر ضدانقلابی که تمایل به چموشی دارد. مایه‌ای که "سیا" برای هرکدام ازآنهامی گذارد، تفاوت دارد.

مسابقه بین‌المللی فقط با حضور جمهوری اسلامی

کیهان ۲۴ مهر:

"فدراسیون جهانی کشتی تصمیم دارد در اجلاس سالانه این فدراسیون پیرامون حرکت‌های ایران در خلال مسابقات کشتی آزاد قهرمانی جهان اتخاذتصمیم نمایند.

از شواهد چنین بر می‌آید که ایران به احتمال زیاد به‌مدت نامعلومی از حضور در کلیه مسابقات بین‌المللی محروم خواهد شد. قدر مسلم اگر چنین شود از شرکت تیمهای خارجی در مسابقات بین‌المللی ۲۲ بهمن جلوگیری خواهد شد."

شعر معاصر جهان

چشم‌انداز هر روزه

هر روز روی می‌دهد این
ودگر باره نیز روی خواهد داد،
این آتش بیباک است
دگر باره نیز خواهد سوزاند،
کارورزان بی‌تابند
گروههای خشمگین
صف در صف پیش می‌روند
می‌روند
جاده‌ها و کشتزاران
ازصدای دهقان می‌لرزند.
هر روز روی می‌دهد این
ودگر باره نیز روی خواهد داد.
زندگانی، پذیرا یا خاموش نیست،
اشکها و حسرت بیهوده است ـ
هنگام نبرد است
زنجیرهای بردگی را بگسل.
امروز در اندامهای نحیف مان
نیروست،
درهر دنده‌ای فولاد،
درهر چشمی آذرخشی،
باهر ضربه‌ای چکش
آثار گذشته را درهم می‌کوبد.
باهر ضربه‌ای، خرمن چین
رگ وپی فساد را
ازبن می‌افکند.
هر روز روی می‌دهد این
ودگر باره نیز روی خواهد
این آتش بیباک است
باز هم خواهد سوزاند،
باز هم، بازهم...
این آتش بیباک است
بازهم وبازهم خواهد سوزاند
هنگام نبرد است
زنجیرهای بردگی را بگسل.

"احمد منصور" شاعر بنگلادشی

به نقل از کتاب "شعرهایی از بنگلادش" گردانده اسفندیار بهار ـ انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۵

www.iran-archive.com

گفتگوی نشریه "اکثریت" با دبیر اول کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست اتریش

بقیه از صفحه ۱

استیلای پیگیرانه و مبارزه برای ساختن دوباره اتریش مستقل و دمکراتیک بوده اند. در این میان حزب ما بیشترین قربانی‌ها را داده است. حزب ما در تاسیس جمهوری دوم اتریش به تاریخ ۲۷ آوریل ۱۹۴۵ سهیم بود. این امر نیز یک حقیقت تاریخی است که مبارزه قهرمانانه خلقهای شوروی، و ارتش سرخ در آزادی اروپا و همچنین میهن ما از قید اسارت هیتلری سهم تعیین کننده‌ای ایفا کرده است.

در حال حاضر خطر اینکه فاشیستها از نو وبلاواسطه قدرت را بدست بگیرند وجود ندارد. اما تاریخ آموخته است که با این نیروها باید از همان ابتدا قاطعانه و متحدانه مقابله نمود.

دبیر اول حزب کمونیست اتریش در مورد مشی دولت ائتلافی نسبت به سیاست بی‌طرفی و عدم تعهد اتریش گفت سیاست خارجی اتریش به بی‌طرفی پایدار متکی است دولت اتریش از اینکه سیاست خارجی خود را غیر متعهد قلمداد کند اجتناب می‌ورزد در عین حال اتریش با یک سری از دولت‌هایی که جزغیر متعهدها بشمار می‌آیند، مناسبات خوبی دارد. روابط با کشورهای سوسیالیستی از سال ۱۹۵۵ به بعد به خوبی توسعه یافته است. این نکته را به حق می‌توان به مثابه مثالی برای امکان همزیستی مسالمت آمیز و به نفع طرفین ارزیابی نمود.

ازطرف دستگاه اداری ریگان برای کشاندن هر چه بیشتر اتریش به سیاست مقابله علیه کشورهای سوسیالیستی فشار وارد می‌گردد. برای مثال: فشار برای کاهش مناسبات اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی و غیره. ما قاطعانه علیه آن مبارزه می‌کنیم و نظرما این است که بجای تسلیم در مقابل این فشار در سیاست خارجی اتریش، می‌باید موضع فعالی در قبال سیاست تجاوز گرانه ریگان اتخاذ بشود. رفیق فرانتس موری، ارزیابی حزب کمونیست اتریش از حزب سوسیال دمکرات و ائتلاف آن با حزب لیبرال اتریش و همچنین آینده احزاب دولتی اتریش را چنین بازگو کرد:

سیاست رهبری حزب سوسیال دمکرات در بیشتر موارد هرچه بیشتر با احزاب بورژوایی محافظه کار، حزب لیبرال اتریش و حزب خلق اتریش تطبیق می‌یابد در این مسیر همچنین رشد خزنده سیاست راست تعجیل می‌گردد. واضح است که تشکیل ائتلاف دولت با حزب لیبرال اتریش نیز به رشد این راست روی کمک می‌کند.

سوسیال دمکراسی اتریش کماکان بیشترین نفوذ را بر روی طبقه کارگر دارد. در عین حال این واقعیت که سرمایه‌داری به هیچ یک از بنیادی‌ترین مسائل راه حل مترقی و پایدار ارائه نمی‌کند و تضاد اصلی در این جامعه کماکان بین کار و سرمایه می‌باشد، باعث می‌شود که سیاست مذکور رهبری حزب سوسیال دمکرات را هرچه بیشتر با منافع اعضا و رای دهندگانش در تضاد قرار گیرد. از این امر در درازمدت در پیوند با مبارزه حزب ما، دور نمای توسعه اتحاد و اتحاد عمل‌های وسیعتر، تقویت حزب کمونیست اتریش، شکافته شدن سازش طبقاتی و نقش جدید و مبارزه جویی اتحادیه‌ها ناشی می‌شود. یک چنین تحول کیفی در تناسب نیروهای سیاسی، پیش فرضی برای چرخش سیاسی در جهت مترقی و پیشبرد دمکراسی ضد انحصاری می‌باشد.

سیاست رهبران راست سوسیال دمکرات که بیشترین نفوذ را در این حزب دارند از نظر داخلی متوجه پابرجا نگاهداشتن و ادامه حمایت از سیستم، به سود سرمایه‌داری، است که با ظواهر بحران عمومی در عرصه‌های مختلف اجتماعی مشخص می‌شود. به این امر "سازش طبقاتی" که شکل ویژه همکاری میان رهبران حزب سوسیال دمکرات اتریش در دولت و اتحادیه‌ها با سرمایه است را باید اضافه کرد. این همکاری از درک نادرستی که معتقد است میان طبقه کارگر و سرمایه منافع اساسی مشترکی وجود دارد، آغاز شود. از نظر سیاست خارجی این سیاست از جمله با تسلیم در قبال فشار امپریالیسم و سرمایه انحصاری بین المللی مشخص می‌گردد. بدین ترتیب درحال حاضر حدود یک سوم کارخانجات در اتریش در دست یا کنترل سرمایه خارجی و بخصوص سرمایه آلمان غربی می‌باشد.

رهبری حزب سوسیال دمکرات سابقا اصلاحاتی را دنبال می کرد که علی رغم اینکه در چارچوب سرمایه‌داری انجام می‌پذیرفتند، لیکن پیشرفتهای معینی را برای زحمتکشان به همراه داشت. امروز، در شرایط بحرانی این حزب اصلاحات بدست آمده را تا حدودی کنار می گذارد.

رفیق موری در مورد موقعیت "آلترناتیوها" و "سبزها" در اتریش و تاثیر آنها بر سیاست دولت ابراز داشت:

آنها اینجا نسبت به آلمان غربی ضعیفتر و پراکنده تر می‌باشند ضمن اینکه در حال حاضر تلاشهایی به منظور ایجاد اتحادهای انتخاباتی در میان آنها جریان دارد. طیف سیاسی این نیروها از چپ مترقی در حاشیه گرفته تا نظریات ارتجاعی راست محافظه کارانه را در بر می‌گیرد. پیدایش آلترناتیو ها و سبزها تجلی نارضایی عمیق و رو به گسترش می‌باشد که در نتیجه تاثیرات بحران عمومی سرمایه‌داری بویژه افزایش بحرانهای محیط زیست بوجود آمده است. حزب ما از سویی در مباحثات عینی اساسا به مواضع غلط این نیرو ها برخوردی انتقادی و جدی دارد برای مثال آنها می‌خواهند هزینه‌های اقداماتی که برای حفظ محیط زیست لازم می‌باشد را از راه فشارهای جدیدی بر روی دوش توده‌ها تامین بکنند. ما طالب حفاظت از محیط زیست به هزینه سودها می‌باشیم. در عین حال که ما برای پیشبرد سیاست اتحاد عمل و اتحادهایی با بخش هایی از این نیروها و با تعداد زیادی از گروهها و جنبش های منطقه‌ای و حوزه‌ای حفاظت از محیط زیست و پیشبرد خواستها و تدابیر درست تلاش می‌ورزیم.

ما می‌خواهیم هواداران و فعالین آگاه تر و چپ تر این نیروها را به سوی حزب خود جذب بکنیم.

رفیق موری در باره نظر حزب کمونیست اتریش در رابطه با اهمیت صلح جهانی نسبت به سیاست جنگ طلبانه امپریالیسم آمریکا، رد پیشنهادات صلح جویانه اتحاد شوروی و مسئله استقرار موشکهای اتمی گفت:

ریگان و دستگاه اداری وی عمدتا به مثابه بازوی سیاسی ارتجاعی‌ترین جناحهای امپریالیسم آمریکا، بویژه مجتمع نظامی ـ صنعتی عمل می‌کنند. این نیروها به منظور گمراه کردن افکار عمومی خواستار مذاکرات صوری در ژنو میان آمریکا و اتحاد شوروی می‌باشند. در حالی که آنها به منظور برتری نظامی بر اتحاد شوروی در تمامی زمینه‌ها به نظامی گری ادامه داده و بویژه به میلیتاریزه کردن فضا شتاب بیشتری بخشیده اند.

ایالات متحده آمریکا تا بحال همه پیشنهادهای سازنده اتحاد شوروی را رد کرده است؛ متوقف ساختن

تسلیحات اتمی و استقرار موشکها در اروپا، قطع آزمایش سلاحهای اتمی، صرف نظر کردن از نظامی کردن فضا و دیگر پیشنهادات بدین جهت مبارزه وسیع تر و متحد نیروهای صلح دوست ضروری می‌باشد تا در ژنو پیشرفتهای واقعی حاصل شوند.

دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش در مورد جنگ ایران و عراق و تاثیرات آن بر روی منطقه و همچنین سیاستهای حکومت ارتجاعی خمینی چنین اظهار نظر کرد:

ما از این جنگ عمیقا اظهار تاسف می‌کنیم و بر این عقیده هستیم که این جنگ میان ایران و عراق فورا باید خاتمه یابد. مسئولیت این امر متوجه طرفین می‌باشد. این جنگ نیروها و وحدت خلقهای عرب را در مبارزه علیه دشمن مشترک واقعی، امپریالیسم آمریکا و نیروهای ارتجاعی در اسرائیل دچار ضعف می‌سازد. درگیری‌های نظامی محلی و منطقه‌ای در وضعیت کنونی جهان خطر توسعه آن را با خود به همراه دارند. بدین جهت خاتمه دادن به این جنگ از نظر حفظ صلح جهانی نیز ضروری می‌باشد.

اما در رابطه با رژیم ایران باید بگویم. دولت تحت رهبری خمینی به امیدها برای اقدامات مثبت و مترقی در ایران بعد از سقوط رژیم شاه جامه عمل نپوشاند.

کمونیستهای اتریش با نیروهای مترقی انقلابی در ایران، با کمونیستها، با فدائیان خلق (اکثریت)، با خواستهای به حق آنها، با مبارزه شان برای آلترناتیوی دمکراتیک، اجتماعی و راستین همبستگی کامل دارند. این مبارزه نه فقط برای خلق ایران دارای اهمیت بسزایی است بلکه برای جنبش کارگری و جنبش رهایی بخش بین المللی و همچنین برای مبارزه در راه صلح نیز اهمیت دارد. ما معتقدیم که آرمان بحق شما پیروز خواهد گشت●

www.iran-archive.com

چه خطری دستاوردهای قیام را تهدید می‌کند؟

روند دمکراتیزه شدن کشور از چندین سو مورد تهدید است. بورژوازی انتلی که ترس از دست دادن منابع ثروت اندوزی خود را دارد، دست به فعالیت توطئه گرانه شدیدی می‌زند. از همین رده‌اند "اخوان ـ المسلمین" که متحالف متعصب لغو "قوانین اسلامی" ۱۹۸۳ است. این قوانین برای رژیم استبدادی هم حکم تکیه‌گاه و هم نقش پوشش را داشت. به جبهه توطئه‌گران باید بقایای رژیم نمیری، به ویژه سازمان امنیت را افزود که شهرت شومی کسب کرده بود.

سازمان امنیت در زمان نمیری تا حد ۴۵ هزار نفر رشد کرده بود که از این عده ۲۵ هزار نفر تنها در خارطوم بودند. آنها مجهزترین وسایل و سلاحهای را که حتی ارتش فاقد آن بود، در اختیار داشتند. فعالیت سازمان امنیت و اداره اطلاعات ارتش پیوسته تحت کنترل "سیا" قرار داشت که مرکز عملیاتی منطقه‌ای خود برای آفریقای شرقی و مرکزی را در سودان ایجاد کرده بود. در همه جای کشور، مامورین آمریکا لانه کرده بودند و اردوگاههایی ایجاد شده بود که در آن عناصر ضد دولتی لیبی، اتیوپی و جمهوری دمکراتیک خلق یمن آموزش می‌دیدند. پس از سرنگونی دیکتاتور و اتخاذ تصمیم انحلال سازمان امنیت، آمریکایی‌ها اقداماتی انجام دادند تا تعداد هر چه بیشتری از افرادشان را حفظ کنند. هزاران تن از آنها که هنوز اسلحه و منابع مالی متنفذی در اختیار دارند، یک تهدید واقعی برای روند دگرگونی به شمار می‌روند. آنها کاملا در موقعیتی هستند که دستورهای روسای سابق خود و یا حامیان آنسوی دریاهایشان را انجام دهند.

علاقه‌ای که ایالات متحده به سودان نشان می‌دهد، تصادفی نیست. این کشور در جهان عرب و در قاره آفریقا از موقعیت استراتژیکی مهمی برخوردار است. در خاک سودان، پایگاههای نیروی دریایی و هوایی (آمریکا) و پایگاههای "نیروی مداخله سریع" قرار دارد. بارها مانورهای بزرگ با شرکت نیروهای پنتاگون در سودان انجام شده است. واشنگتن همچنین منافع بسیار مهم اقتصادی در کشور ما دارد و بدین سادگی از آنها دست نخواهد کشید. ایالات متحده قادر است از طریق عوامل خود نفوذ زیادی بر ارتش، پلیس، کل دستگاه دولتی، رسانه‌های گروهی، موسسات آموزشی و فرهنگی و حتی جنبش سندیکایی سودان اعمال کند.

سرویس‌های جاسوسی سایر کشورهای ناتو و اسرائیل نیز در تماس نزدیک با سیا فعالیت می‌کنند. آنها شدیدا به پراکندن احساسات ضد کمونیستی پرداخته و پیوسته می‌کوشند به مردم چنین تلقین کنند که گویا "کوشش برای دمکراتیزه کردن" شکست خورده است. به احزاب و جنبش‌های سیاسی، اتحادیه‌ها و مطبوعات رشوه می‌دهند. این امر منتفی نیست که دشمنان خلق سودان بکوشند از طریق هر گونه توطئه ممکن در کشور هرج و مرج ایجاد کنند تا بهانه‌ای برای ایجاد یک دیکتاتوری نظامی، سرکوب کامل آزادیهای دمکراتیک و محو دستاوردهای توده‌ها بیابند.

وضعیت وخیم اقتصادی و مالی سودان مورد بهره‌برداری توطئه‌گران قرار می‌گیرد. رژیم نمیری همه شاخه‌ها و بخشهای اقتصادی ملی را با ورشکستگی کامل مواجه کرده است. کشور که قروض خارجی آن از رقم هنگفت ۱۰ میلیارد دلار تجاوز می‌کند، قادر نیست این قروض و یا حتی بهره وامها را بپردازد. گرسنگی، تنها مولود خشکسالی نیست بلکه یک علت آن هم سیاست مخرب حکومت پیشین است که تولید محصولات کشاورزی برای صادرات را تشویق کرده و بدین ترتیب سطح زمینهای زیر کشت برای مایحتاج اولیه را کاهش داده و به زمینه تامین مواد غذایی برای مردم لطمه زدند. امروز از هر چهار سودانی یک نفر گرسنه است.

این اوضاع برای جنبش توده‌ای بسیار خطرناک است. ترس از آینده و گرسنگی قادر است بدون مداخله از خارج هم انرژی انقلابی توده‌ها را رو به تحلیل برد و نیروی آنها را فرسوده سازد. علیرغم تفسیرهای توام با تحریف از مارکسیسم که در محافل بورژوایی و خرده بورژوایی مرسوم است، ما عقیده داریم فقر و گرسنگی به خودی خود به اقدام انقلابی نمی‌انجامد. کسی که از گرسنگی رنج می‌برد، حال و حوصله سیاست را ندارد. قیام مارس بار دیگر نشان داد آنهایی که به شدت از سوء تغذیه رنج می‌برند در آن شرکت نجستند.

همچنین نباید از نظر دور داشت که کشورهای امپریالیستی از تحویل مواد غذایی بطور فزاینده‌ای بعنوان ابزار اعمال فشار بر کشورهای رشد یابنده بهره می‌گیرند. سودانی‌ها بر پایه تجربیات خود دیدند که چگونه ایالات متحده در این زمینه فعالیت می‌کند. در زمان نمیری آنها در ازاء تحویل غله خواهان پایگاههای نظامی و یا کمک به انتقال غیر قانونی یهودیهای فالاش شدند. کمک عربستان سعودی هم با نیت خیر نیست. این کشور همراه با مصر سرچشمه خطر اصلی خارجی برای پیشرفت سودان در مسیر دمکراتیک هستند.

ما به هیچ وجه به این خطر کم بها نداده و چشمان خود را بروی قدرت کمی و توانایی دشمنان دمکراسی نمی‌بندیم. اما با این حال، با امید و خوشبینی به آینده می‌نگریم، زیرا عوامل داخلی و خارجی دیگری که نقش مثبت دارند کم نیستند. از این زمره باید قبل از هر چیز خود قیام را نام برد که به توده‌ها اعتماد به نفس تازه‌ای داده، شور انقلابی شان را افزایش بخشیده و آنها را در مبارزه مجرب‌تر ساخته است.

و نیز باید به رشد جنبش دمکراتیک توده‌ای در جنوب کشور اشاره کرد که برای نخستین بار در تاریخ معاصر سودان بطور کلی در روند جنبش توده‌ای نقش مثبتی ایفا می‌کند. پیش از این، نیروهای سیاسی جنوب سودان به رویدادهای کشور علاقه‌ای نشان نمی‌دادند. آنها بدین اکتفا می‌کردند که از خواستهای محلی خود دفاع کنند. امروز "جنبش رهایی بخش خلق سودان" و شاخه مسلح آن، "ارتش رهایی بخش مردمی سودان"، که نقش مهمی در تعمیق بحران رژیم نمیری و سرنگونی آن ایفا نمودند، برنامه روشنی ارائه می‌کنند.

آنها در این برنامه با گرایشهای جدایی طلبانه که قبلا در جنوب تسلط داشت مرزبندی می‌کنند بر ضرورت مشارکت مثبت در امور سراسری دولتی تاکید می‌ورزند و همه سودانی ها را به شرکت فعال‌تر در مبارزه در راه دمکراتیزه کردن عرصه‌های گوناگون زندگی میهن فرا می‌خوانند.

فعال‌تر شدن نیروهای میهن پرست در ارتش اهمیت زیادی دارد. اینان در برابر گرایشهای راست در فرماندهی کل ارتش مقاومت کرده و از رشد جنبش دمکراتیک در کشور پشتیبانی می‌نمایند.

بعنوان عوامل مناسب خارجی می‌توان از این فاکتورها نام برد: فعالیت اپوزیسیون در مصر که با نیروهایی که میکوشند در مرزهای شمالی سودان علیه این کشور دست به توطئه بزنند مقابله می‌کند؛ تثبیت مواضع انقلاب اتیوپی که به رژیم سلطنتی اتیوپی که همواره مورد حمایت نیروهای محافظه‌کار و مرتجع در کشور ما بود، پایان داد؛ و رشد موفقیت آمیز تجربیات انقلابی جمهوری دمکراتیک خلق یمن که از ویژگی خاص برخوردار بوده و برای جهان عرب اهمیت زیادی دارد. پیروزی جنبش مقاومت میهن در لبنان که به اتفاق نیروهای دمکرات انقلاب فلسطین و حمایت سوریه ـ که شجاعانه پایداری نشان داده و در برابر تجاوزگران اسرائیلی ایستاد ـ مداخله گران آمریکایی و ناتویی را به فضاحت بیرون راند، تاثیر زیادی بر توده‌های مردم سودان گذارد.

برای خلق ما، همبستگی بین‌المللی با مبارزه‌اش ارزش فوق‌العاده‌ای داشته و دارد. این همبستگی رو به گسترش است، امری که مدیون فعالیت احزاب کمونیست و کارگری، احزاب انقلابی ـ دمکراتیک کشورهای عربی و غیر عربی و نیز رشد قدرت کشورهای جامعه سوسیالیستی، و پیش از همه اتحاد شوروی، مدافع خستگی ناپذیر بر امر صلح و آزادی ملل است.

مشی حزب کمونیست سودان

در این شرایط پیچیده، تدوین و دنبال کردن یک مشی دقیق و واقع بینانه که بر تحلیل عینی و بدور از ساده انگاری واقعیت مبتنی باشد، از اهمیت زیادی برخوردار است. چنین تحلیلی، توسط پلنوم فوق‌العاده کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان در بیستم آوریل ارائه شد. پلنوم بعنوان مهمترین امر، از اقدام مردم، نقش اتحاد نیروهای مردمی و ارتش در دفاع از دستاوردها و حفظ آن در برابر حملات دشمن" نام برد.

بقیه در صفحه ۱۰

سودان: آغاز مرحله‌ای دشوار

مقاله‌ای از محمد ابراهیم نقود، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان
مندرج در مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم"، شماره سال ۱۹۸۵
ـ بخش دوم ـ

www.iran-archive.com

سودان: آغاز مرحله‌ای دشوار

بقیه از صفحه ۹

از این رو، مشی دنبال کردن هدف گسترده‌ترین اتحاد برای حفظ و احیای کامل دمکراسی و حاکمیت ملی ـ اگر چه در موقعیت تاریخی نوین، در سطحی تازه و با مواضع جدید و تهاجمی ـ همچنان به قوت خود باقی است. یکپارچگی توده‌های مردم منوط به آن است که "اتحاد نیروهای ملی..." در ترکیب خود وسیع‌تر شود و بر اساس منشور آن، احزاب و اتحادیه‌هایی که در اعتصاب سیاسی و قیام توده‌ای شرکت واقعی داشتند، بدان بپیوندند. هرگاه "اتحاد نیروهای ملی" طیف گسترده‌تری را نمایندگی کند، باید به ارکان قدرت سیاسی توده‌ها تبدیل شود. ارکانی که اراده توده‌ها را تحقق بخشد و از سلاح اعتصاب سیاسی در صورت بروز خطرات جدید برای جنبش توده‌ای بهره گیرد. این امر در خدمت آن خواهد بود که به وضع ایجاد شده پس از روی کار آمدن فرماندهی کل نیروهای مسلح پایان داده شود. وضعی که در آن، قدرت قانونگذاری بطور کامل در دست شورای موقت نظامی متمرکز است، هیات وزیران که بعدا تشکیل شد تنها وظایف اجرایی دارد و حقوق "اتحاد نیروهای ملی..." به هیچ وجه رسمیت نیافته است.

حزب ما از بیانیه فرماندهی ارتش حاکی از اینکه ارتش درصدد جایگزینی دیکتاتوری جدید نظامی بجای رژیم استبداد نیست، بلکه می‌خواهد پس از یک سال قدرت را به یک دولت غیر نظامی تحویل دهد، استقبال کرد. ما قاطعانه با این مخالفیم که نظامیان پس از سپری شدن دوران گذار همچنان روی کار بمانند. حزب کمونیست سودان همچنین هر گونه تلاش برای براندازی را رد میکند، خواه این کوشش تحت لوای بهانه‌ای باشد که مختص راستهاست (از قبیل "در کشور هرج و مرج حاکم است"، "احزاب ناتوانی خود را نشان داده‌اند"، "گامهای قاطع برای به کرسی نشاندن قوانین اسلام لازم است" وغیره...) و یا تحت پوشش شعارهای چپ نظیر "ادامه قیام"، "نجات انقلاب" وغیره.

در نزدیک به سه دهه موجودیت مستقل سودان، ۲۲ سال رژیم‌های نظامی قدرت را در دست داشته‌اند. نتیجه، ورشکستگی اقتصادی، تسریع رشد بورژوازی انحلی، مرکوب دمکراسی و تضعیف حاکمیت ملی بوده است. در این زمینه، تفاوتی میان دیکتاتوری دست راستی عبود و رژیم نمیری که ظاهرا شعارهای چپ و مترقی می‌داد، وجود نداشت. اپورتونیستها که با اصطلاحات مارکسیستی دست به شعبده بازی می‌زدند (مانند یک گروه کوچک منشعب از حزب کمونیست)، تکنوکراتهای دارای افق محدود، که از "مدرنیزه کردن جامعه" و "رشد همه‌جانبه" دم می‌زدند، و آنهایی که مذهب را دکان کرده بودند، بطور طبیعی رژیم نمیری را توجیه می‌کردند.

تنها سقوط رژیم استبدادی کافی نیست. اگر قرار است دمکراسی بطور کامل احیا شود، باید همه قوانین مغایر آن، از جمله قانون اساسی ۱۹۷۳ (که تنها موقتا معلق شده است)، "قوانین اسلامی" ۱۹۸۳ قانون امنیت دولتی و غیره لغو گردند. رژیم نمیری و به ویژه سازمان امنیت آن، باید بطور کامل از میان برده شود، امانه از طریق اقدامات رسمی بوروکراتیک که اینک جاری است، بلکه با شرکت دادن توده‌ها، که اقداماتشان باید توسط "اتحاد نیروهای ملی"، شورای نظامی موقت و ارگانهای قضایی بطور مشترک هدایت گردد.

نمی‌توان بدون بازسازی دستگاه دولتی، از جمله ارتش، و بکارگماری دوباره افسران اخراجی‌های پیشین، یک رژیم مستبد را بطور کامل درهم شکست. این بازسازی نباید بگونه‌ای باشد که در آن تسویه حسابهای شخصی صورت گیرد و تصمیات کوته نظرانه گرفته شود. باید امکانات لازم در اختیار مسئولین امر در موسسات دولتی قرار گیرد و معیارهای دقیقی تدوین شود. معیارهایی که باید اتحادیه‌ها با آن موافقت نموده و بر اجرای آن نظارت داشته باشند. هرکس مرتکب جرمی علیه دگراندیشان شده باشد، باید در زندان است. این به معنای نقض دمکراسی نیست، بلکه حفظ آن در برابر عمال دیکتاتوری است.

پیکار تازه آغاز شده است. در برابر ما، نبردهای بی شمار قرار دارد که ما در آن، از خاطره رفقای شهیدمان، از یاد همه آنهایی الهام خواهیم گرفت که درمبارزه برای دمکراسی و استقلال ملی جان باختند. برای ما، سرچشمه انرژی انقلابی، تجارب مبارزاتی افتخارآمیز کمونیستهاست این تجارب، در برابر ما سرمشقهای زیادی از پایداری و ایثارگری در دفع حملات دشمن، از پاکیزه نگهداشتن ایدئولوژی طبقه کارگر از حفظ وحدت و انسجام حزب قرار می‌دهد.

از زبان خودشان

بقیه از صفحه آخر

*"این مجلس درهمه وزارتخانه‌ها به وزیری که بر اساس میل و دلخواه زید و عمر و حرکت‌های معادلاتی پشت پرده به لیست وزرا راه یافته باشند، رای نخواهد داد." (میرزایی ـ اطلاعات ۲۲ مهر)

*"کابینه باید یکپارچه باشد و وزاری آن شیخوخیت نخست وزیر را پذیرفته باشند و از هیات دولت و رئیس دولت به ایجا و آنجا پل نزنند." (میرزایی ـ اطلاعات ۲۲ مهر)

*"کسانی که به مقام ولایت فقیه باور عمیق دارند، عنایت خواهند داشت که همچنین هر احترام به حقوق ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی، از رسومات ظاهری دمکراسی می‌باشد و ولایت فقیه، بنابر احساس تکلیف و ضرورت در مسائل مهم کشور اظهار نظر می‌نماید." (هاشمی ـ اطلاعات ۲۲ مهر)

*"اما اینکه خدای نخواسته یک وقت برای اینکه اثبات کنید مطلب خودتان را، راجع به دولت بخواهید کار شکنی بکنید، دولت را به شکست وادار کنید ... دولت را تضعیف کنید، اسلام را به شکست برسانید، این یک مطلبی است که الزاما باید جلویش گرفته شود."

ـ "ما الان در مشکلات هستیم، نباید دولت یک مدت طولانی تعطیل باشد. باید به طوری که صلاح است زود برحسب تکلیفش عمل بکند و آقای رئیس جمهور هم برحسب تکلیفشان، آنقدری که تشخیص می‌دهند، تائید بکند و بعد هم در مجلس زود مساله را تمام کنید. نگذارید طولانی بشود و ضرر است برای اسلام و ضرر است برای کشور."

ـ "در نطق‌های قبل از دستور و در نطق‌های بعد صحبتهایی که وقتی معرفی می‌کنند وزرا راهتاکی نکنید."

ـ "از آنطرف هم من به قوای مسلحه چه ارتش باشد و چه چیزهای محلی باشد و چه پاسدارها باشند و به همه آن‌ها سفارش می‌کنم در امور سیاسی دخالت نکنند ... به آنها مربوط نیست، اینها باید مشغول جنگ باشند."

بقیه از صفحه ۶

جمهوری اسلامی و عرصه "آگاهی اجتماعی"

"سیاسی" که نه از تفسیر بلکه از تغییر جهان سخن می‌گوید، قرار گرفت، کوشش کرد خود را به "سیاست" نزدیک سازد. "سیاست" برای این فلسفه یعنی ستیز با همین فلسفه "سیاسی" یعنی ستیز با مارکسیسم. مرتضی مطهری از آن نظر از بقیه هم مسلکان خود "سیاسی"‌تر بود که خطابه‌های آتشین علیه مارکسیسم و هرگونه گرایش و هواداری نسبت به فلسفه علمی، ایراد می‌نمود. فلسفه حوزه‌ای اساسا تقدیر گراست، اما برای این که اراده کرده بود ستیز بی‌امانی را علیه تقدیر بی‌چون و چرای خویش در برابر مارکسیسم، سازمان دهد، مفهوم "اراده" را بر واژگان خود افزود. تنها از این زاویه دشمنی با مارکسیسم، حس رقابت در او برانگیخته شد و تلاش کرد در برابر واقعیتهای زنده اجتماعی، طرحها و برنامه‌هایی از خود، به صورتی بسیار کلی و مبهم، ارائه دهد. در اینجا نیز فلسفه حوزه‌ای باید سیاستگزار مارکسیسم باشد که با مفاهیم اجتماعی، آشنایش ساخت!

فلسفه رسمی در جمهوری اسلامی، همان فلسفه رسمی حوزه علمیه است که به مهمترین جریان آن اشاره کردیم. یک طرز تفکر قابل توجه دیگر در کنار این فلسفه رسمی، ثمره "وحدت حوزه و دانشگاه" (!) است. نمایندگان این طرز فکر التقاطی را عمدتا روشنفکران مذهبی تحصیل کرده غرب که در خدمت رژیمند، تشکیل می‌دهند. عبدالکریم سروش معروف، یکی از اینان است. گرایش غالب در میان صاحبان این طرز فکر التقاطی، پوزیتیویسم (اثبات گرایی)، نئوپوزیتیویسم (اثبات گرایی نو) و نئوتومیسم (توماس گرایی نو ـ فلسفه رسمی کلیسای کاتولیک) است. آنها آموخته‌های کج و معوج خود در دانشگاههای غرب را با عرفان، فلسفه ملاصدرایی و تکبر و نخوت ناشی از تکیه به قدرت حاکم، درهم آمیخته و خاصه در آنجا که مکلاها فریبناکتر باشند، میدانداری می‌کنند. رژیم به اینها عمدتا در دانشگاهها نیازمند است. اینان که به شدت ضدمارکسیستند و از آخوندها نیز بهتر می‌دانند که چرا باید ضدمارکسیسم باشند، حلقه اتصال فلسفه حوزه‌ای را با فلسفه منحط بورژوایی غربی، تشکیل می‌دهند.

www.iran-archive.com

کنفرانس سران کشورهای عضو پیمان ورشو

هفته گذشته اجلاس رهبران کمونیست و دولتهای کشورهای عضو پیمان دفاعی ورشو با حضور هیاتهای اتحادشوروی، بلغارستان، جمهوری دمکراتیک آلمان، لهستان، چکسلواکی، مجارستان و رومانی در صوفیه برگزار شد.

کشورهای عضو پیمان ورشو در پایان کنفرانس خود بیانیه‌ای تحت عنوان "برای محو خطر جنگ هسته‌ای، برای چرخش به سوی شرایط بهتر در اروپا و جهان" انتشار دادند. این بیانیه پس از تحلیل شرایط کنونی جهان، تاکید می‌نماید که چنین چرخشی "لزوم پایان دادن به سیاست اعمال قدرت وتشنج فزایی را ایجاب می‌کند..." کشورهای سوسیالیستی در این بیانیه پیشنهادهای صریح متعددی ارائه نموده‌اند و تاکید ورزیده‌اند که کلیه پیشنهادهای قبلی نیز همچنان معتبرند.

به عنوان اولین گام، بیانیه پیشنهاد می‌کند که آزمایش، تولید و استقرار سلاحهای تهاجمی ضد ماهواره‌ای، در فضا متوقف گردند، سلاحهای هسته‌ای موجود روی زمین در حداقل ممکن نگاه داشته شوند و به تولید، آزمایش و استقرار سلاحهای برد متوسط در اروپا پایان داده شود. در عین حال، جهت پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای، پایان دادن به آزمایشهای هسته‌ای ضروری است. کنفرانس در این رابطه از اقدام یک جانبه اتحاد شوروی مبنی بر متوقف ساختن آزمایش‌های هسته‌ای حمایت به عمل آورد. بیانیه می‌افزاید: "اکنون نوبت آمریکا است که اقدامی مشابه به عمل آورد."

دادن تعهد مبنی بر عدم استقرار سلاحهای هسته‌ای درخاک کشورهای دیگری، که دارای سلاح هسته‌ای نیستند، خودداری از انباشتن این سلاحها و عدم استقرار سلاحهای مدرن‌تر بجای سلاحهای کهنه، اقدام مهمی است که به عقیده کنفرانس در خدمت امرتحکیم‌صلح خواهد بود.

کشورهای شرکت کننده در کنفرانس همچنین پیشنهاد می‌نمایند که اتحاد شوروی و آمریکا متعهد گردند از تولید و استقرار سلاحهای استراتژیک خودداری خواهند ورزید. پیمان ورشو پیشنهاد می‌کند اتحاد شوروی و آمریکا از اول ژانویه سال ۱۹۸۶ تعداد نیروهای مسلح خود را حتی در خاک خویش نیز افزایش نداده و بودجه نظامی خود را در سطح کنونی متوقف سازند.

اعدام شاعر میهن‌پرست آفریقای جنوبی به مبارزه علیه آپارتاید اوج تازه‌ای داد

در حالیکه طی هفته گذشته، تنها تا روز پنجشنبه ۲۲ تن دیگر از مردم آفریقای جنوبی بدست پلیس جنایتکار رژیم آپارتاید به قتل رسیدند، مبارزات توده‌ای علیه نژاد پرستان اوج تازه‌ای گرفته است. حرکات اعتراضی گسترده مردم بدنبال اعدام ددمنشانه بنجامین مالویز شاعر میهن پرست، سراسر کشور را فرا گرفت.

آخرین سخنان مالویز که جمعه هجدهم اکتبر در پرتوریا به دار آویخته شد- این بود: "به همه جهان بگویید روزی مردم سیاه حکومت خواهند کرد. همه مبارزانی که جان باختند، خود را فدای آزادی کرده‌اند. پیکار باید ادامه یابد." در لحظاتی که دژخیمان، شاعر خلقی آفریقای جنوبی را به پای چوبه دار می‌بردند، جمع کثیری، از جمله خویشاوندان وی و نیز رهبران سازمانهای دمکراتیک و ضد آپارتاید، در برابر دروازه زندان گرد آمده بودند."

مردم آفریقای جنوبی، پاسخ این جنایت را با تظاهرات دهها هزار نفری خود دادند. در کیپ تاون ۳۰ هزار نفر، مرکب از سفیدپوستان و رنگین پوستان، علیه اعدام مالویز دست به تظاهرات زدند. هر کدام از شهرهای دیگر آفریقای جنوبی همچون "هازندال"، "آتلون" و "کراس رودز" نیز شاهد تظاهرات هزاران نفر از مردم بود. در پیشاپیش صف تظاهرات، پرچم کنگره ملی آفریقا حمل می‌شد.

آلفرد نزو، دبیرکل کنگره ملی آفریقا، اظهار داشت قتل بنجامین مالویز برای رژیم پرتوریا پیروزی محسوب نخواهد شد. وی افزود اعدام مالویز خشم سیاهپوستان آفریقای جنوبی نسبت به باندبوتا را باز هم افزایش داده است. نزو خاطر نشان ساخت اینک در آفریقای جنوبی، هیچ راهی جز تشدید مبارزه وجود ندارد. وی خواهان تحریم بین المللی موثر رژیم بوتا گردید.

پیشروی‌های تازه انقلابیون السالوادور

واحدهای جبهه رهایی‌بخش فارابوندومارتی بر علیه ارتش رژیم ارتجاعی ناپلئون دوارته در السالوادور تهاجم تازه‌ای را آغاز کردند. ایستگاه رادیویی این جبهه اعلام کرد، میهن پرستان درهشت استان از چهارده استان کشور در حال پیشروی هستند.

نیروهای جبهه رهایی بخش، در مناطقی از کشور جاده‌ها را مسدود و خطوط انتقال نیروی برق را منهدم کردند. بدنبال یورش وسیع انقلابیون، دوارته رئیس جمهور السالوادور اعضای خانواده‌اش را به آمریکا فرستاد.

ارتش السالوادور که مجبور به عقب نشینی شده است، می‌کوشد انتقام این شکست را از مردم بگیرد.

طبق آمار رسمی کمیسیون حقوق بشر السالوادور، در ماههای اوت و سپتامبر، ۲۴۰ نفر به دست "جوخه‌های مرگ" و نیروهای مسلح کشته شده‌اند.

"جوخه‌های مرگ" نام گروههای فاشیستی وابسته به دولت السالوادور است.

آمپول کمک ۳۰۰ میلیونی تازه آمریکا به ضد انقلابیون افغانستان

روزنامه "واشنگتن پست" به نقل از منابع سازمانهای جاسوسی آمریکا می‌نویسد کنگره آمریکا اخیرا به تقاضای دولت این کشور برای اعطای یک کمک ۳۰۰ میلیون دلاری جدید تسلیحاتی به تروریستهای ضدانقلابی افغانی پاسخ مثبت داده است. به نوشته "واشنگتن پست"، این کمک که ماه گذشته از تصویب کمیته ویژه مجلسین نمایندگان و سنای ایالات متحده گذشت، علاوه بر مبالغ سری پیش بینی شده برای سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ است.

این کمک نه تنها برای خرید مهمات و اسلحه سبک، بلکه همچنین برای تهیه انواع جدید موشکهای ضد هوایی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

روزنامه مزبور می‌افزاید برخی نمایندگان کنگره اظهار داشته‌اند مبالغ اعطایی به اشرار افغانی در آینده نزدیک از مرز یک میلیارد دلار در سال خواهد گذشت.

اخبار کوتاه

* خائیم ویلوک، وزیر توسعه کشاورزی و اصلاحات ارضی نیکاراگوئه، طی میتینگی که در شهر "ماناگالپا" برگزار گردید، اعلام کرد تاکنون در این کشور ۸۰ هزار خانوار دهقانی صاحب زمین شده‌اند. مجموع مساحت اراضی تقسیم شده به بیش از ۱/۴ میلیون هکتار بالغ می‌گردد. درهنگام برگزاری این گردهمایی نیز میان ۶۰۰ خانواده روستایی، ۴۹۰۰ هکتار زمین حاصلخیز تقسیم شد. این اراضی بصورت تعاونی یا کشت خانواری، اداره خواهد شد.

* هفتاد هزار کارگر کارخانه اتومبیل سازی کرایسلر آمریکا که برای امضای قرارداد دسته جمعی جدید دست به اعتصاب زده بودند، پیروز شدند. بدنبال هفت روز اعتصاب، مدیریت شرکت کرایسلر مجبور شد با خواستهای کارگران مبنی بر افزایش دستمزدها و دادن تضمین‌هایی در مورد امنیت مشاغل، موافقت کند. همچنین ده هزار کارگر شرکت کرایسلر در کانادا نیز که به اتفاق کارگران کرایسلر در آمریکا دست از کار کشیده بودند، دوشنبه گذشته پس از احراز موفقیت به اعتصاب خود پایان دادند.

* جمعه گذشته فرانسه در مجمع الجزایر "موروروا" واقع در جنوب اقیانوس آرام یک آزمایش هسته‌ای انجام داد. این عمل، علی رغم اعتراضات گسترده بین المللی صورت پذیرفت. کشورهای حوزه جنوب اقیانوس آرام، از جمله استرالیا و زلاندنو، این منطقه را منطقه غیر هسته‌ای اعلام کرده‌اند. اما دولت فرانسه به اراده ملل و دولتهای مزبور وقعی نمی‌گذارد. چندی پیش، یک کشتی سازمان بین المللی حفظ محیط زیست بنام "گرین پیس" بدستور سازمان جاسوسی فرانسه در آبهای زلاند نو منفجر شد. سازمان مزبور این کشتی را برای اعتراض به آزمایشهای هسته‌ای فرانسه به جنوب اقیانوس آرام فرستاده بود. ما جرای کشتی "گرین پیس" وزیر "دفاع" فرانسه را وادار به استعفا کرد.

* تاکنون دوازده نفر از دارندگان جایزه نوبل در فیزیک و شیمی به جنبش دانشمندان آمریکایی علیه طرحهای مربوط به نظامی کردن فضا پیوسته‌اند. در یک کنفرانس مطبوعاتی در واشنگتن اعلام شد ۵۵ درصد استادان و مهندسین شاغل در ۱۴ موسسه اصلی تحقیقات فیزیکی ایالات متحده همکاری با پروژه "ابتکار دفاعی استراتژیک" ریگان را رد کرده و طوماری علیه نظامی کردن کیهان امضا نموده‌اند.

* مارشال سرگئی آخرومیف رئیس ستاد کل ارتش اتحاد شوروی طی مقاله‌ای در "پراودا" اعلام کرد در صورت ادامه اجرای طرح نظامی کردن فضا توسط آمریکا، اتحاد شوروی به عنوان عمل متقابل، اقداماتی در مورد سلاحهای تهاجمی و نیز سلاحهای فضایی انجام خواهد داد.

www.iran-archive.com

خود افشاگری مهره‌های رژیم کماکان ادامه دارد. "پرده‌های مصلحت گرائی" برافتاده و هر یک از مسئولین و حکام، دیگران را به باد ناسزا و توهین گرفته‌اند. علیه هم دست به راهپیمائی می‌زنند، نامه‌های افشاگرانه تنظیم می‌کنند، "دست‌های مرموز" هدایت کننده باندهای رشوه‌خوار و اختلاس‌گر، از پرده برون می‌افتند. مسئولین مملکتی یکدیگر را متهم به توطئه ورزی علیه رهبری و نظام می‌نمایند. هر یک می‌کوشد به فراخور توان و نفوذ، توشه‌ای ازبرای خود مهیا سازد و در عین حال در کاسه آش دیگران خاک بپاشد. با حکم خمینی علنا مخالفت می‌شود و خمینی و منتظری، مخالفین را تهدید می‌کنند. و البته که کار از این حرفها و تهدیدات بسی فراتر رفته است. گوشه‌هایی از این خودافشاگریها در مطبوعات غل‌یافته رسمی نیز انعکاس یافته است. ساده‌انگاری است اگر آنچه در جرائد دولتی بازتاب یافته است برابر با عمق بحران حکومتی فرض شود، چه هنوز "اسرار نهان" بیشماری است که در رسانه‌های گروهی محلی از اعراب ندارند.

در ادامه آنچه در نشریه "اکثریت" شماره ۷۸ منتشر شد، به درج گوشه‌های دیگری از این اختلافات و خودافشاگریها مبادرت می‌ورزیم:

*"آیا به همین زودی کابینه تشکیل می‌شود، صلاح مملکت آنست که چند وزیر در اختیار ریاست جمهور و چند وزیر در اختیار نخست وزیر باشد و به همان روال سابق، ... یا صلاح در وحدت و انسجام وزراست؟" (محمد صالح خرم آبادی ـ اطلاعات ۱۷ مهر)

*"من اعتقادم این است که دولتی سرکار بیاید ـ من نمی‌خواهم دولت فعلی را زیر سئوال ببرم ـ که تمام امکانات خود را برای تحصیل پیروزی در جنگ خلاصه کند ... دولت سالاری از بین برود ... بیشترین نقش را به مشارکت مردم بدهد و دخالت خود را به حداقل برساند" (آذری قمی ـ اطلاعات ۶ مهر)

*"یک شرکت مهندسی مشاور آمریکائی به نام "شانون اندویلسون" هم در دادگستری ایران وهم در دیوان لاهه علیه سازمان انرژی اتمی ایران در مورد ۵۲۸ هزار دلار طرح دعوی می‌کند، عجب اینجاست، بدون اینکه دفتر حقوقی بین‌المللی یا سازمان انرژی اتمی باخبر شوند و اقدامی بکنند، رای به نفع آمریکا از شعبه ۱۶ دادگاههای عمومی تهران به ریاست آقای قهرمانی می‌گیرد و این رای را از طریق اداره حقوقی وزارت امور خارجه به خارج کشور میرساند و عجیب‌تر اینکه از زمان اقدام تا خارج کردن رای، اتمی از کشور فقط ده روز طول می‌کشد. این امر ثابت می‌کند که دستهای بیگانه‌ای در کار بوده که توانسته است دو سازمان رایعنی دفتر حقوقی و سازمان انرژی اتمی و نیز اداره حقوقی وزارت امور خارجه را اغفال کند ... حالا سئوال اول من اینست: آیا آقای نخست وزیر در این واقعه بسیار خطرناک که به حیثیت و منافع جمهوری اسلامی لطمه وارد آمده، مستقیما مسئولیت ندارد." (فهیمی کرمانی ـ اطلاعات ۱۰ مهر)

*"آقای نخست وزیر به عنوان رئیس مجمع عمومی شرکت ملی صنایع پتروشیمی در اوائل سال ۶۲، به وزیر نفت اختیار می‌دهند که میلیاردها از پول بیت المال کشور را به ژاپنی‌ها بدهد و صدها میلیون دلار بدهی ژاپنی‌ها را به بانکهای خارجی، برعهده دولت جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد." (فهیمی کرمانی ـ اطلاعات ۱۰ مهر)

*"هشدار می‌دهم که برادران عزیز نماینده مراقب توطئه‌ها باشند و نگذارند افرادی موهوم بنام نماینده مجلس نامه‌های سرگشاده وتوهین آمیز خطاب به رئیس جمهور و یا سایر مقامات اجرایی کشور بنویسند." (مهدی شاملو ـ اطلاعات ۱۰ مهر)

*"برگشت باغوتچه‌ها و ملاکین، اشاعه رشوه خواری در ادارات و دستگاههای اجرائی بطور گسترده، عدم توجه به قانون اساسی و مجلس شورای اسلامی، کنار زدن نیروهای متعهد حزب اللهی توسط مدیران غربزده و منحرف، عدم توجه به کشاورزان وکارگران وکارمندان و فرهنگیان دون پایه ودلسرد کردن خدمتگزاران به انقلاب اسلامی، عدم توجه به گرانی و گرانفروشی و احتکار، توزیع ناهنجار و غیر صحیح مایحتاج عمومی، دادن پستهای کلیدی به دست افرادی وابسته و غیر متعهد، و عدم مجازات خائنین به بیت المال و رواج مداهنه و چاپلوسی برای بدست آوردن تائیدات و پستها، استفاده از مطبوعات دولتی و رسانه‌های گروهی، به عنوان حربه سیاسی، توسط یک عده متنفذ برای کوبیدن و تخریب کردن و وارونه جلوه دادن حقایق ودر نهایت ایجاد جو غوغا سالاری، به منظور راه‌اندازی تظاهرات عوامفریبانه با ماهیتی از پیش تعیین شده، و رواج شعارهای مدون سیاسی توسط باندها، همه و همه باعث ایجاد نارضایتی توده مردم و دلسرد کردنشان از انقلاب اسلامی می‌باشد. بازگو کردن همه این دردها، به خاطر تذکر به دولت آینده است." (اطلاعات ۱۷ مهرماه)

اختلافات و درگیریهای درون حکومت
از زبان خودشان

*"در اینجا لازم است از روزنامه جمهوری اسلامی که در تاریخ یکشنبه ۶۴/۷/۱۲ با چاپ عکس آقایان ریاست جمهوری و نخست وزیر درکنار همدیگر کاری خدا پسندانه نموده، تشکر کنیم" (محمد امین طرفی ـ اطلاعات ۱۷ مهر)

*"بارها مشاهده شده که به ناطقی در حین صحبت تهمتهای واهی و ناروا و افتراهای کذائی به این خط و آن جریان می‌زنند" (محمد امین طرفی ـ اطلاعات ۱۷ مهر)

*"ما امروز در پشت کره زمین رئیس جمهوری با مشخصات رئیس جمهور خودمان سراغ نداریم" (رفسنجانی ـ اطلاعات ۱۸ مهر)

*"نویسندگان و منتشر کنندگان مقاله فوق الذکر می‌خواهند در ادامه برنامه گروهکها امروز باژوان امام را قطع کنند و فردا رو در روی حضرت امام و اسلام بایستند ... رئیس جمهور منتخب امت و حتی نظام مقدس اسلامیمان را مورد انواع تهمتها و اهانتها و ناسزاها و هتک حرمتها قرار داده‌اند" (از نامه بیش از ۲۰۰ تن از نمایندگان مجلس به خمینی)

*"حضرت امام علاوه بر تاکیدات مکرر قبلی، این بار نیز مجلس محترم را در انتخاب (انتخاب نخست وزیر) آزاد گذاشته‌اند" (نیک روش ـ اطلاعات ۲۰ مهر)

*"حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی آنگاه در خصوص آیاتی از کلام الله مجید در ابتدای جلسه، گفت: ایشان فرمودند "آیات یک طرفه بود"! بالاخره اگر خدا یک طرفه حرف بزند، ما چکار کنیم؟ آن حرفی که خدا گفته خوانده شد. حالا یک آیاتی هم شما در قران پیدا کنید که نوشته باشد "از رهبر اطاعت نکنید" ما آنها را هم می‌خوانیم." (اطلاعات ۲۱ مهرماه)

*"امروز تعیین دولت آینده در تمام زوایای کشور تاثیر گذاشته، تا جائی که اگر قیمت جنسی را از بنگاههای معاملات سئوال کنید، جواب می‌دهند: "فعلا معلوم نیست تا ببینیم وضع دولت آینده چه می‌شود." (اصغر اسفندیار ـ اطلاعات ۱۲ مهر)

*"چرا کسیکه (موسوی نخست وزیر) چهار سال صادقانه در راس هیات دولت خدمت کرده ... را در افکار عمومی با طرح مسائل مبهم، تحت عنوان "معاملات با کشورهای جهان" او را مخدوش نمایند؟" (اسفندیار ـ اطلاعات ۱۲ مهر)

*"اگر بنا شود دولت همان بافت سابق را داشته باشد، نخست وزیر با وزیرهایش با هم نباشند وفقط به فکر خنثی کردن کار یکدیگر باشند این برای کشور فاجعه است ... وضعی که تا بحال در دولت داشته‌ایم، وضع خوبی نبوده، خلاصه بی رودربایستی، خط‌بازی نباید باشد ... هماهنگی اگر نباشد، این بزرگترین بلاست، این همان فتنه است." (منتظری ـ اطلاعات ۲۲ مهر)

بقیه در صفحه ۱۰

AKSARIYAT
NO.80
MONDAY OCT 28,85
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA-WIEN
BAWAG
NR.029 10701-650
DR.GERTRAUD ARTNER

www.iran-archive.com